



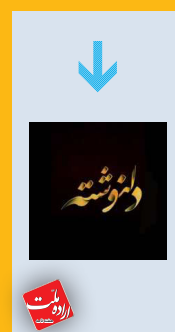
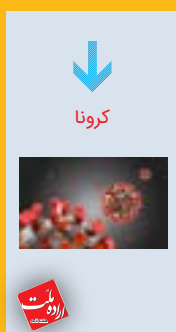
به یاد استاد
محمدرضا شجریان
ستاره تابناک سپهر فرهنگ و هنر



نابسندگی های فرهنگستان
زبان فارسی



هفته نامه غیربرخط اراده ملت سال سوم شماره ۲۴ هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹ - قیمت ۴۰۰۰۰ ریال



خروج حزب اراده ملت از شورای هماهنگی جبهه اصلاح طلبان



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

سال دوم

هفته‌سوم آبان‌ماه ۱۳۹۹ / شماره ۲۴



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت

مدیرمسئول:

در حال تغییر

سر‌دبیران:

علی مهری، رحیم حمزه

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی،

نرسیده به خیابان آزادی، بن بست خلیلی

پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

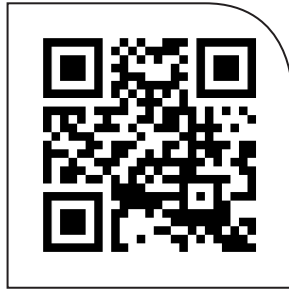
تلفکس:

۰۲۱۶۶۵۶۷۸۴۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



۵



خروج حزب اراده ملت از شورای هماهنگی جبهه اصلاح‌طلبان

به دنبال نامه دبیرکل حزب اراده ملت مبنی بر خروج از شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به اعضای شورا و به دنبال آن نیز انتشار بیانیه راهبردی ...

۱۳



مطالبات محلی شعب شهرستانی حزب اراده ملت

وقتی قانون‌گذار قانونی را وضع نمود و به تصویب رساند کار قانون‌گذار و قانون‌گذاری تمام می‌شود. مهم‌ترین نکته «فردای بعد از قانون» است.

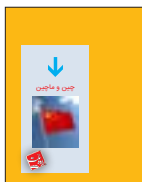
۱۸



مطالبات زنان

معمولاً در بحث‌های مربوط به زنان آسیب‌پذیر، بر موضوع سرپرست‌بودن یا نبودن مانور زیادی داده می‌شود به‌طوری‌که رایج‌ترین دسته‌بندی‌های این قشر از جامعه را برحسب ...

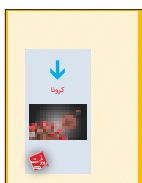
۲۳



چین و ماچین

سخن از قرارداد ۲۵ ساله با چین که شد طیفی از تحلیل‌های مخالف و موافق راه افتاد که این قرارداد چین و چنان خواهد کرد. هر کسی از ظن خود، با یا بر این قرارداد موضعی اتخاذ کرد.

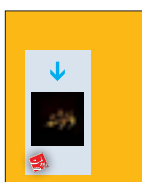
۲۵



کرونا

در بحران ایجادشده توسط ویروس کرونا، نظام سلامت کشور با تمام قوا وارد ماجرا شد. اما به علت ساختار موجود در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، درمان بخش وسیع‌تری را ...

۲۹



دلوشته

در اواخر دوره حکومت صدام تحریم‌ها در عراق بسیار تشدید شد. هنوز اسرا در عراق بودند که نگهبان‌ها حلب‌های روغن ایرانی را نشان ما می‌دادند که بر روی آن‌ها کلمات فارسی ...

۳۱



اخبار حزب

فقط ۷ درصدند و البته حفظ و افزایش همین تک رقم در پویایی پوسته‌های احزاب سیاسی در ایران گامی روبه‌جلو برای حضور جدی‌تر زنان در فرایند تصمیم‌گیری‌های تشکیلاتی است ...



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹

سخن سردبیر

آغازی دوباره

مردم قرار گیرد محکوم به اضمحلال و نابودی است و به این آموزه قرآنی متفطن خواهند شد که «خداوند در سرنوشت هیچ قومی تغییری ایجاد نخواهد کرد مگر اینکه خودشان بخواهند»

غیر برخطی شدن نشریه و هفتگی شدن انتشار مجدد آن فرصت مغتنمی را فراهم می سازد تا در این مقطع حساس پوست اندازی گذار حزب، در حد بضاعت وظیفه ارگانی خود را به نحو احسن به انجام رساند و در بازنمایی دقیق رویدادهایی که مستقیماً مرتبط با مطالبات مردم است از هیچ کوششی فروگذار نشود.

حزب اراده ملت راه خود را در این آشفته بازار مکاره سیاست باز شناخته و مجدانه در تلاش است تا حزبی در تراز مردم ایران باشد و اعتماد، اعتبار و توانی که کسب می کند در راستای بهبود وضعیت نابسامان معیشتی و تعمیق دموکراسی به کار بندد.

از انتشار شماره قبلی نشریه بیش از یازده ماه می گذرد و در این مدت همپای تحولات عدیده ای که در کشور اتفاق افتاده، حزب و به تبع آن نشریه نیز به عنوان ارگان رسمی دست خوش تغییرات بنیادین گردیده، در این شماره ترجیح دادیم انعکاسی از وضعیت جدید حزب در بحبوحه اوج گرفتن کرونا از یک سو و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از سوی دیگر در اولویت قرار گیرد. خروج از جرگه اصلاح طلبان رسمی و محوریت یافتن مطالبات مردمی از نشانه های بارز تحولات اخیر حزب بود که قطعاً عقلانیت تحلیلی ایجاب می نماید در بین کنش گران سپهر سیاست با درجه اهمیت بالایی مورد ارزیابی قرار گیرد. کسانی که دل در گرو توفیق ساختار ناکارآمد شورای هماهنگی جبهه اصلاح طلبان بسته اند به خوبی در خواهند یافت که مسیر هر گونه توسعه دموکراتیک از معبری به نام مردم می گذرد و هر اراده ای در مقابل قدرت

به یاد استاد محمدرضا شجریان ستاره تابناک سپهر فرهنگ و هنر

فقدان استاد محمدرضا شجریان ستاره تابناک سپهر فرهنگ و هنر این مرزوبوم جان گداز بود، هنرمندی که همواره نماد اخلاق مداری، آزادی خواهی و برابری جویی شد و تا آخرین نفس در کنار مردم ماند و ایستادگی در برابر تمامیت طلبی های بدخواهان ملک و ملت را سر لوحه فعالیت های هنری - اجتماعی خود قرار داد و از این طریق دین خود را به سرزمینش ادا کرد.

او خود را صدای خس و خاشاک خواند تا همگان بدانند هنرمند متعهد به دور از هرگونه قدرت طلبی های فرصت طلبانه و خشونت بار، باور مندانه در مسیری که در آن خواست و اراده اکثریت مردم حرف اول و آخر را می زند هم می توان فریادگر بیداد بود و هم سالک طریق عشق.

حزب اراده ملت ایران ضمن پاسداشت مقام شامخ این هنرمند دوران ساز که گلبانگ سربلندی سرداد و هم نوای دلشدگان به دیار باقی شتافت، خود را قدردان ایشان به عنوان کنشگر فرهنگی و اجتماعی فعالی که هم وغمی جز مردم نداشت دانسته و چونان اسطوره های فراموش نشدنی یاد و میراث گران بهای او را راج می نهد. کمیته فرهنگی حزب اراده ملت ایران

مهرماه ۱۳۹۹

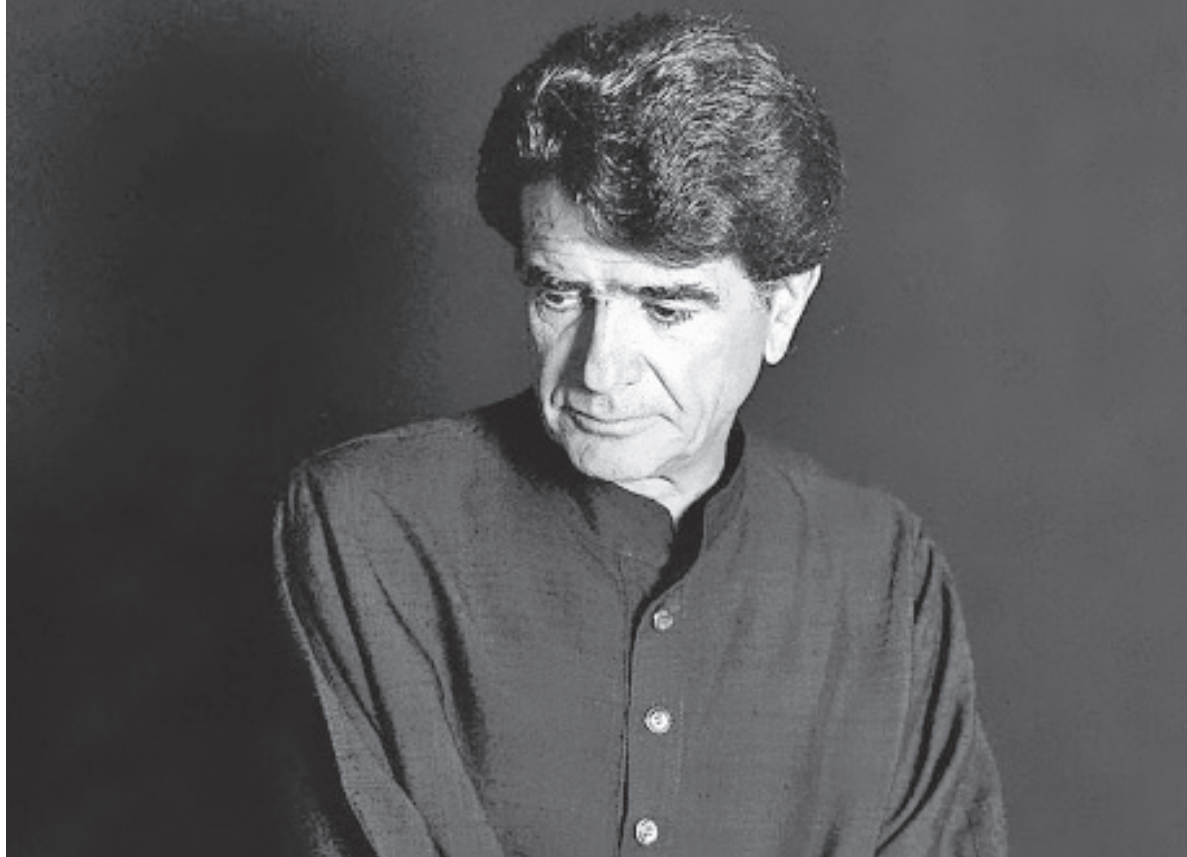


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



نابسندگی های فرهنگستان زبان و ادب فارسی

اشاره: به گزارش حامانیوز در جلسه شورای پاسداشت زبان فارسی با حضور حداد عادل و وزیر ارشاد تصویب شد: هر دستگاہی قبل از هر گونه ثبت، نام صنف را که باید فارسی باشد مشخص کند و پس از آن به درخواست کنندگان مجوز بدهد. دفتر حقوقی حزب اراده ملت ایران نسبت به این تصمیم اطلاعیہای صادر کرده که در ادامه می خوانید.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ
انقلاب شکوهمند اسلامی با داعیه اخلاق مداری و عدالت و مبارزه با هر نوع تبعیض و جهل و تفاخر و با شرکت تمام اقوام و مذاهب و سلاطین به پیروزی رسید و در ادامه و برای حفظ ناموس و خاک و همه داشته ها، همه فارغ از تفاوت های زبانی و نژادی و اعتقادی و فکری پای کار آمدند و چه خون های پاک و مقدسی که به پای استقلال و آزادی این خاک مقدس ریخته شد و همچنان نیز شهیدان گران قدری تقدیم سرافرازی این وطن می شود که آخرین آن سه لاله پرپر از سرزمین قهرمان خیز آذربایجان بود.
در این روزگار پر فتنه هر کسی با هر بهانه ای در اتحاد و همبستگی اقوام ایرانی خللی ایجاد کند و باعث طمع دشمنان شود به شدت باید مواخذه شود.

زیبایی و وقوم کشورمان به رنگین کمان اقوام و مذاهب است که در طول تاریخ در کنار هم تمدن ایران عزیز را ساخته و حفظ نموده اند. با هیچ بهانه ای نمی توان زبان و فرهنگ و رسوم و اسامی و هویت اقوام را حذف و انکار نمود که هم با قانون اساسی منافات دارد و هم با انسانیت.

در جهت از بین بردن تکرر خاطر اقوام شریف لازم است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی ضمن عذر خواهی از ملت شریف ایران مصوبه غیر انسانی و غیر قانونی خود را سریعاً باطل اعلان نموده و از تکرار این رفتارهای نسنجیده و خطرناک و هزینہ زاپرهیز نماید.

دفتر حقوقی حزب اراده ملت ایران

مهرماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹





خروج حزب اراده ملت از شورای هماهنگی جبهه اصلاح طلبان



بی پرده درباره خروج



احمد حکیمی پور: اگر بستر قانونی و عملی حکمرانی حزبی فراهم

شود طبیعتاً مسائل و مطالب جدی تر جامعه نیز در این بستر حل و فصل خواهد شد. این رویکردی که حزب برای خودش برای سال آینده و تا برگزاری کنگره تعیین کرده مربوط به شرایط

مشخص امروز جامعه و نسبت حزب با آن است، ما معتقدیم در صورتی که بستر مناسب کار حزبی فراهم شود و نظام انتخاباتی با نظام حزبی عجین شود آن وقت در بسیاری از هزینه های رقابت های سیاسی و چرخه قدرت صرفه جویی می شود و مردم و کنش گران و حاکمان در یک فرآیند شفاف و قابل اندازه گیری در تعامل مثبت خواهند بود در این صورت موتورهای قدرت مختلف کوچک و بزرگ در جامعه بجای اینکه یکدیگر را خنثی و مشغول تضعیف و طناب کشی با یکدیگر باشند در جهت تقویت و همگرایی در راستای تأمین منافع ملی مورد اجماع خواهند بود و به تبع آن امنیت و وحدت ملی هم محقق خواهد شد. در این صورت است که منابع و مصارف در کشورمان رابطه بهینه با بهره وری بالا خواهند داشت و عملاً هزینه اداره و مدیریت کشور از هر لحاظ خیلی پایین خواهد آمد.



علی مهری: موضوع دوم این است که نگاه شما به قدرت چیست؟

اگر حزب برنامه ای برای تحقق این مطالبات در سپهر سیاسی نداشته باشد. قطعاً به همان سر نوشتی دچار خواهد شد که اصلاح طلبان شدند. خصوصاً در این شرایط که بازسازی اعتماد مردم واقعاً پیچیده بوده و هزینه زیادی می طلبد. از سوی دیگر ساختار قدرت با ساختار حقوقی تناسبی ندارد و فعالین عرصه عمومی را با سراب واقعیات مواجه می کند یعنی نهادهای حقوقی منتخب قدرت زیادی ندارند. در این صورت حزب چگونه می تواند پیگیر مطالبات جامعه هدف خود باشد؟



احمد حکیمی پور: حزب قصد چنین کاری را صادقانه دارد چون

ماهیت شکل گیری و فلسفه وجودی اش با چنین ایده ای عجین شده است اما اینکه چقدر موفق باشد بستگی به پارامترهای مختلف دارد اولاً توان و تلاش خود حزب و نیروهایش با توجه به ظرفیت و وزن واقعاً موجودش. دوم به اعتماد و ارتباط متقابل اقشار و اصناف جامعه مربوط می شود چون امروز جامعه ایران در بحران عمیق بی اعتمادی بسر می برد مخصوصاً مردم به احزاب و گروه های سیاسی بدبین و بی اعتماد شده اند به نظر گذشت زمان همه چیز را معلوم خواهد کرد اما آنچه به ما مربوط است می توانم بگویم مصمم و صادق هستیم و اولین آزمون عملی هم در این رابطه انتخابات شوراها در اوایل سال آینده خواهد در آنجا این ایده و رویکرد جدید ما به خوبی محک خواهد خورد.

ما وقتی عرصه خرد سیاسی را آماج حزمان قرار دادیم دنبال استراتژی اهداف کوچک و تلاش بیشتر هستیم و در این عرصه چون اصطلاحی با هسته سخت قدرت

به دنبال نامه دبیر کل حزب اراده ملت مبنی بر خروج از شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به اعضای شورا و به دنبال آن نیز انتشار بیانیه راهبردی حزب، در جامعه سیاسی کشور و اصلاح طلبان سوالات و ابهامات بسیاری را ایجاد کرده است که می طلبد به آن ها پاسخ داده شده و اقعان گردند. علی مهری عضو شورای مرکزی و احمد حکیمی پور دبیر کل حزب طی گپ و گفتی ابعاد خروج را به واکاوی و تجزیه و تحلیل نشستند.

علی مهری: با اجازه شما می خواهم از موضوعات متداول فراتر برویم. حزب اراده ملت در پی خروج از جبهه اصلاح طلبی کدامین چشم انداز را دنبال می کند و می خواهد کدام مشکل جامعه را حل کند؟



احمد حکیمی پور: با تشکر، ابتدا لازم به یادآوری است که بحث خروج بیش از سه سال بود که در درون حزب مطرح بود که در نهایت در جلسه سیزده تیرماه امسال شورای مرکزی نهایی شد و حزب طی مراحل درونی در نهایت با بیانیه ای که خطاب به مردم منتشر کرد آن را علنی کرد و اجمالاً به دلایل این تصمیم اشاره کرد. چون حزب ما یک حزب با رویکرد سوسیال دموکراسی است و جامعه هدفش اقشار مزدگیر، کارگران، کشاورزان و کارمندان و به طور مشخص طبقه متوسط و متوسط به پایین است، برای اینکه بتواند به طور ملموس در جریان مشکلات و دغدغه های اصلی این مردم قرار گیرد و دنبال راهکارهای عملی باشد نیاز به حضور عینی در لایه های متن جامعه دارد؛ لذا می بایست رویکرد خود را از درگیری های روزمره سیاسی و انتخاباتی که بیشتر کشمکش بر سر منصب و قدرت است به سمت مسائل واقعی جامعه و مردم تغییر داده و به اصطلاح با متن جامعه و مردم بر بخوریم. شورای هماهنگی در وادی این بحث ها نبود و عملاً انرژی محدود ما صرف مباحث تکراری و دور باطل هدر می رفت و به این ترتیب حزب بعد از بحث های چالشی درون خود بالاخره به این تصمیم رسید که فعالیت های خود را بر سیاست خرد و مطالبات محلی و صنفی متمرکز کند. البته خیلی تلاش کردیم و علاقه داشتیم این بحث ها در درون جریان اصلاحات و احزاب شورای هماهنگی هم شکل بگیرد ولی متأسفانه شوق و تمایل جدی و عملی برای این مهم بعد از مدت ها انتظار مشاهده نکردیم لذا به کنش مستقلانه حزبی روی آوردیم.



علی مهری: اگر هدف شما این باشد، خیلی خوب و پسندیده است اما در اینجا دو موضوع پیش می آید. اول این که آیا حزب برنامه ای دارد تا با نمایندگان واقعی صنفی این نیروها و طبقات اجتماعی وارد تعامل شود؟ به اصطلاح این جنبش های اجتماعی می توانند امیدوار باشند که در عرصه عمومی یک حزب سیاسی را دارا هستند که دغدغه ها و مسائل و مشکلات آن ها پیگیری می کند؟



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹

اهداف کوچک همراه با تلاش بیشتر می دانیم. حزب خودش را در برابر همه مسائل کشور مسئول نمی داند ما توان معین و محدودی داریم که آن را می خواهیم در جاهایی بکار بگیریم که نتیجه عملی و عینی هم داشته باشد. این استراتژی بر گرفته از مخرج مشترک سه مقوله وحدت ملی، منافع ملی و امنیت ملی است که حزب در حد وسع و توان خودش نسبت به آن ها احساس مسئولیت می کند

علی مهری: من این طوری برداشت می کنم؛ که حزب ورودش را به عرصه سیاسی با رویکرد مطالبه محوری آغاز می کند و با مطالبات نقد و غیر چالشی شروع می کند و با این کار در واقع گامی عملی در راستای حکمرانی حزبی برداشته می شود و البته میدانیم که حکمرانی حزبی در نهایت منجر به تخصصی شدن امر سیاسی شده و چالش های بزرگ و از جمله اقتصاد سیاسی به جای آن که در درون نهادهای حکومتی مطرح و بخواهد به جای حل و فصل مبنای گرو کشی قرار گیرد، به درون احزاب که به صورت تخصصی امر سیاسی را بر عهده گرفته اند کشیده شده و تعیین تکلیف می شوند. ضمن این که برآیند همه نهادهای عمومی بجای تضعیف هم در راستای تقویت یکدیگر و کارایی بهتر و مؤثر تر به کار گرفته می شوند.

اگر خاطرم باشد ما مصاحبه منتشر نشده ای از شما داشتیم که شما حتی اهداف ریز حکمرانی حزبی را بیان کرده بودید. از جمله این که حکمرانی حزبی زمانی محقق می شود که بجای اشخاص احزاب کرسی های مشخصی را در تمام مراحل انتخابات و حتی در تعیین سیاست های نظام مثلاً در مصلحت نظام و حتی در شوراهای تخصصی و بینا بخشی داشته باشند. در این صورت است که احزاب می توانند همه چالش بزرگ و مهم را به عنوان یک امر تخصصی و واسطه میان مردم و حکومت ایفا بکنند. آیا این مسأله همچنان در دستور کار حزب خواهد بود؟

احمد حکیمی پور: به هر حال نظام جمهوری اسلامی در مهم ترین سند خود که قانون اساسی است تحزب را به رسمیت شناخته از طرفی نظام هم جمهوری است و مشروعیتش متکی به آرای مردم است که در انتخابات مختلف و مکرر باید باز تولید شود. خوب اکنون انتخابات هست ولی بال دیگر نظام جمهوری که تحزب است شکل نگرفته در نتیجه چون انتخابات حزبی نیست به مرور نهاد انتخابات هم تضعیف شده و آن کارکرد و باز خورد مناسب خود را ندارد. همه حرف ما این است تا در این کشور نظام انتخابات با نظام حزبی یکپارچه نشوند توسعه واقعی شکل نخواهد گرفت و هزینه اداره کشور روز به روز بیشتر خواهد شد. حکمرانی حزبی یعنی همین. بالاخره در احزاب افرادی جمع شده اند که دغدغه غیر شخصی دارند از زندگی خصوصی و داشته های شخصی و خانوادگی خود می زنند برای اهداف آرمان های انسانی و ملی خودشان، چه کسانی دلسوز تر از این ها می تواند به حال کشور باشد. چرا باید این ظرفیت ها نادیده گرفته شود و حتی بدبینی و بی مهری نسبت به آن ها وجود داشته باشد. در انتخابات مجلس یازدهم چقدر کاندیدای حزبی رد صلاحیت شدند واقعاً تیشه را برداشتند و بر ریشه تحزب زدند. خوب این ها را سرمایه سوزی و فرصت سوزی برای کشور می دانیم ظرفیت و پتانسیل بالایی در احزاب کشور وجود دارد که متأسفانه نادیده گرفته می شوند و به هدر می روند

علی مهری: اما همه مسائل در مطالبات نقد و غیر چالشی خلاصه نمی شود؛ و اگر برای آن نیز چاره ای اندیشیده نشود ممکن است جامعه را درگیر شکاف های بزرگی بکند که از ما و شما هم کاری بر نیاید؛ بنابراین باید برای هدایت و مدیریت این مطالبات هم برنامه مشخصی داشت. برنامه حزب اراده ملت در این رابطه چیست؟

احمد حکیمی پور: هر شرایطی کنش متناسب خودش را دارد. ما در خصوص مسائل اصلی کشور در بیانیه پایانی کنگره پاییز ۹۷ به ۱۱ راه کار عملی اشاره کرده ایم فعلاً حرف جدید و پیشنهاد دیگری غیر از آن ها نداریم.



نداریم و در کشمکش قطب های قدرت در مسائل حاد سیاسی نیستیم حساسیتی روی فعالیت های حزب نخواهد بود نیروهای ما با پیگیری مطالبات کوچک ولی در عین حال مهم برای مردم متن جامعه به مرور پیوندش با جامعه مستحکم و اعتماد طبقات و اقشار زیر فشار و زحمتکش را جلب خواهد کرد.

علی مهری: ببینید می خواهیم کمی واقع بینانه جلو برویم. همان طور که می دانیم شوراهای و یا مجلس و یا دولت فرق چندانی ندارند. زمانی که شوراهای و یا مجلس و به تبع آن دولت به طور شش دانگ در اختیار ساختار قدرت باشد. با توجه به شعارهایشان در حمایت از طبقات فرودست و زحمتکش کل ساختار قدرت مجبور به پاسخگویی خواهد بود در حالی که اگر افراد و احزابی خارج از چرخه قدرت و فقط با اتکا به آراء عمومی وارد شوراهای و یا مجلس و یا دولت شوند فقط پاسخگویی برای احزاب و فعالین خواهد ماند، مسئولیتی است که هیچ تناسبی با قدرت و اختیار ندارد. بر فرض مثال بتوانید شوراهای را هم در کل کشور در اختیار بگیرید که البته میدانید چنین امری نه معقول است و نه شدنی ولی فرض محال که محال نیست در این صورت وقتی اختیار چندانی نداشته باشید که پاسخگوی رأی دهنده ها باشید، چطور می توانید اعتماد آن ها را داشته باشید؛ اما اگر به عنوان حزبی که صادقانه پیگیر مطالبات جامعه هدف باشد، آنگاه جامعه هدف در حدود اختیارات شما از شما انتظار خواهد داشت و اعتمادش خدشه دار نخواهد شد. آنچه من از صحبت های شما فهمیدم شما در صدد نمایندگانی به شوراهای بفرستید؛ و در این صورت تجربه نشان می دهد که با توجه به اختیارات محدود قادر به انجام مأموریت محوله نخواهید بود. یا باید صادقانه به مردم بگویید که مشکل کجاست که این مسأله بر تنش ها خواهد افزود یا باید همین کاری را پیش بگیرید که لیست امید پیش گرفتند و در این صورت خروج چه حاصلی خواهد داشت؟

احمد حکیمی پور: ببینید شوراهای یک آزمون انتخابی است که میزان حمایت و اعتماد مردمی را به حزب تا حدودی نشان می دهد. من منظورم این نبود که ما صرفاً دنبال انتخابات شوراهای و گرفتن کرسی های آن هستیم بلکه این انتخابات می تواند تجلی گاهی برای موفقیت چند ماهه ما در ارتباط با بدنه جامعه و پیگیری مسائل مردم در نقاط مختلف کشور در روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ باشد. شوراهای نهاد اجتماعی و خدماتی است نه سیاسی مخصوصاً در لایه های پایین و محیط های کوچک شهری و محلی. حزب الان از همه شعب خود حداقل سه مطالبه مهم مردمی را در حال شناسایی و جمع آوری است و بایستی درده ماه آینده نتیجه پیگیری این مطالبات عملاً روشن شود و چون این کار در ارتباط مستقیم و متقابل با مردم و مسئولین محلی دنبال می شود خود به خود در ایجاد اعتماد و ارتباط مفید و نتیجه بخش حزب با مردم تعیین کننده خواهد بود. از نظر حزب اراده ملت اصلی ترین گلوگاه توسعه پایدار کشور تحقق حکمرانی حزبی است و از طرف دیگر شوراهای مطمئن ترین و مهم ترین در پیچه های ورود به مردم سالاری است به همین خاطر من انتخابات شوراهای را مثال زدم چون عرصه عملی محک زدن به رویکرد جدید حزب است

علی مهری: من قبول دارم که مطالباتی هستند که چالشی نیستند و وزن بالایی هم دارند یعنی فراوانی تجمیعی خوبی هم دارند و بنابراین می توانند عملی شوند؛ اما در خصوص مسائل صنفی ما مواجه با اقتصاد سیاسی هستیم که چالشی هستند و قطعاً نیاز است که قبلاً تکلیف ساختار قدرت و ساختار حقوقی مشخص شده باشد و تناسب معقولی بین این دو برقرار شود. آیا موافق هستید؟

احمد حکیمی پور: من موافق بحث شما هستم ولی به هر حال بر اساس قاعده تناسب وزن و نقش در سیاست ما در حد وزنی که داریم دنبال ایفای نقشی هستیم که واقعاً و در عمل بتوانیم از عهده اش بر بیاییم نمی خواهیم امید واهی به مردم بدهیم و شعارها و اهداف بزرگ و غیر واقعی و غیر عملی مطرح کنیم ما استراتژی موفق را



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملتسال سوم
شماره ۲۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹

بیانیه حزب اراده ملت در خصوص خروج از شورای هماهنگی جبهه اصلاحات

اقتصاد و مشکلات معیشتی مردم نیز خود چالش عمده دیگری بود. امروز جامعه ما درگیر معضلات و بحران‌های اقتصادی است از جمله تحریم‌ها و اقتصاد دلال‌محور و توزیع رانت‌های بی‌شمار و فاصله طبقاتی که روز بروز بیشتر می‌شود. همگی موجب گردیده این فشارها بر دوش طبقات ضعیف‌تر چون کشاورزان، کارگران، کارمندان و کسبه خرد سنگینی کند. حتی باید اذعان داشت تولیدکنندگان نیز دیگر یارای ایستادگی در صحنه اقتصادی را از دست داده‌اند. نوسان‌های ناگهانی تورم ناشی از تغییرات در بازارهای پولی و ارزی و مسکن و غیره نشان از آن دارند که سیاست‌ها، ناکارآمد و تدبیرها، ناکافی بوده لذا موضع‌گیری شفاف همراه با راهکار عملی اصلاح‌طلبان در این مهم ضروری به نظر می‌آید.

از سوی دیگر مجموعه تحولات جامعه در حوزه‌های حقوق بشری، برابری خواهی و حریت انسانی همگام با تحولات بین‌المللی، حاکی از بروز و ظهور نوع دیگری از کنش‌گری سیاسی دارد که دوگانه اصلاح‌طلبی و اصولگرایی را با چالشی جدی مواجه ساخته و صف‌بندی‌های جدیدی را در چهارچوب منافع ملی نوید می‌دهد.

در این میان حزب اراده ملت ایران، از ابتدای شروع فعالیت رسمی در سال ۱۳۷۹، به‌عنوان یک حزب اصلاح‌طلب خودبنیاد و برخاسته از پایین، با تلاش و ارادتمندی برای پایبندی به صداقت، شفافیت، پاسخگویی، پاک‌دستی و قانونمندی، خود را متعهد به حرکت در چارچوب گفت‌وگو، اصلاحات دانسته و همگام با سایر احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب تلاش نموده تا در شکل‌یابی جبهه اصلاحات، علاوه بر ساحت گفت‌وگویی در ساحت تشکیلاتی و رفتاری نیز تأثیرگذار باشد. ما دوره به دوره و انتخابات از پی انتخابات، بویژه در سال ۹۴ انتظار داشتیم تا تغییر رفتار در نحوه ورود به این انتخابات، گامی برای اعتماد بیش از پیش اکثریت جامعه ایرانی به گفت‌وگو، تشکیلات اصلاح‌طلبی باشد، لیکن تصمیم‌گیری‌هایی که منجر به ارائه لیست‌های شراکتی، وراثتی و رفاقتی گردید و تضمینی در پاسخگویی را در پی نداشت، بتدریج موجب خدشه به اعتماد آن دسته از سرمایه‌های اجتماعی شد که با وفاداری به جبهه اصلاح‌طلبی به پای صندوق رأی آمده بودند، از این رو حتماً به فاصله کوتاهی پس از انتخابات مجلس دهم با انتقاد از مناسباتی که تدبیر امور را در دست داشت، از طریق شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، راهکارهایی را مبتنی بر تعهد به خرد جمعی پیشنهاد کرد، از جمله آنکه فرایند حزب محور و برنامه محور باید جایگزین مکانیسم شخص محوری و دفعتی عمل کردن شود، ولی آنچه حاصل این نقد و پیگیری‌ها بود، فقط سکوت بود و فراموشی.

ادامه و تکرار این آسیب‌ها باعث شد که توان محدود حزب در ساختار تشکیلاتی اصلاح‌طلبان دچار فرسایش در مناسبات جاری گردد و فرصت اقدام و سرعت عملی را که در حد بضاعت خویش از این سپهر آماج می‌نمود از کف بدهد.

در طول تاریخ مبارزات دموکراتیک برای استقرار حاکمیت، همیشه با بهروزی همراه نبوده و در مواردی چالش‌ها و موانع بزرگی را تجربه کرده است. از جمله اینکه افراد و طبقاتی که در سایه حاکمیت توده مردم، منافعی را به خطر می‌افتاده، ساکت نشستند و سعی کردند تا پس از تحولات مناسبات نابرابر، غیرانسانی و تبعیض‌آلود را، در همان مرزوبوم مجدداً احیا کنند.

در ایران نیز شاهد بودیم که اراده‌ی تحریف، همواره سعی کرده است خود را در صفوف مبارزات مردمی وارد کند و در سایه آشنایی با چرخه قدرت و بنیادهای باقی‌مانده از نظم پیشین، به گفت‌وگو سازی جعلی اما رسمی و القانات پوچ و بی‌محتوی در هر قالبی پردازد و آنگاه با ارائه راه‌حل‌های غیرواقعی برای مشکلات واقعی، برآشفتگی فکری جامعه را بیفزاید و سردرگمی را در تداوم مسیر حاکمیت مردم موجب گردد. تا جایی که امروز در ایران ما همه از انقلاب می‌گویند اما هیچ‌کس تعریف روشن و دقیقی از انقلاب و انقلابی‌گری ندارد و گاهی دیده می‌شود انقلاب را خشونت لجام‌گسیخته، خودسرانه و بی‌منطق را رادیکالیسم قلمداد می‌کنند و دامنه آن را آن‌چنان گسترده‌اند که متملقان در مصادر امور قرار گرفتند و دانایان و فرهیختگان کنج عزلت گزیده‌اند.

سال‌هاست که در سرزمین عزیزمان ایران، جان‌های شیفته و عدالت‌خواه ضمن بیزاری جستن از هرگونه تبعیض و فساد، نیروهای دولتی و حاکمیتی را به بازشناسی و برخوردی مقتدرانه و تبری جوانان از فسادهای سازمان‌یافته، فرامی‌خوانند و مطالبه ایشان در پیش گرفتن رویکردی متعهدانه و انسان‌محورانه از سوی مسئولین برای کاستن از تبعیض‌های فراگیر و جاری بوده است اما راه بجایی نبرده و در عوض گستره‌ی آن بیشتر شده و ناکارآمدی عرصه را برای زندگی و معیشت مردم تنگ و تنگ‌تر کرده است.

پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و با تجدید حیات آرمان‌های دور و دراز، ملتی که از مناسبات قدرت به تنگ آمده بودند در صدد شکستن این سیکل معیوب، اینبار با رویکرد اصلاح‌طلبانه و پرهیز از هرگونه رفتار خشونت‌آمیز برآمدند. انتظاری که از اصلاح‌طلبی می‌رفت مبارزه‌ای عمیق، پایدار، باورمندانه و تشکیلاتی، براساس نظم و نسقی بغایت مستحکم و مرموز بود، لکن شوربختانه آنچه در عمل شاهدش بودیم اینکه؛ به تدریج دغدغه بخش قابل توجهی از احزاب و گروه‌ها و افراد حاضر در جبهه اصلاح‌طلبان، به «طلب استمرار» حضور خویش در ارکان قدرت فرو کاسته شد. با اتخاذ سازوکارهای غیردموکراتیک، فرصت سوزی‌های مکرر و رفتارهای غیرصادقانه آمیخته با فرصت‌طلبی، آرمان‌های اصلی و اصیل گفت‌وگو، اصلاحات در عمل به بوته فراموشی سپرده شد و صرفاً به تجارت اعتماد و امید ملتی درمانده در غده‌هایی درون گروهی بسنده گردید.

ضعف مواضع اقتصادی اصلاح‌طلبان و مخدوش بودن موضع این جریان در حوزه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



جان خریده است، لکن به نظر می‌رسد که ادامه این مسیر به بی‌رنگ شدن هویت تشکیلاتی و ناکامی در رساندن پیام حزب به گروه‌های هدف در جامعه خواهد انجامید.

بر این اساس و با توجه به جمیع جهات پیش گفته، حزب اراده ملت ایران بر آن است به کنش اصلاح طلبانه و با تکیه بر سرمایه تشکیلاتی و انسانی واقعاً موجود خود به سیاست ورزی مسئولانه، شفاف و پاسخگو در چارچوب هنجارهای حقوقی و سیاسی به صورت مستقل ادامه دهد مگر اینکه به اقتضای موقعیت به‌ویژه در زمان انتخابات، در چارچوب قانون احزاب و در صورت لزوم وارد ائتلاف و یا تشکیل جبهه موقت با احزاب و تشکلهای همسو شود.

حزب اراده ملت ایران امیدوار است که در سایه این استقلال حزبی بتواند مشارکتی به مراتب سازنده‌تر و شفاف‌تر و به هنگام‌تری را رقم بزند. شاید اینگونه بتواند اندکی مطلوب‌تر در مسیر آرمانها و شعارهایش پیش برود و این بستر را فراهم کند تا همزمان عامل و مسئول تصمیمات، گفتار و رفتار سیاسی خویش باشد.

بدیهی است نقدهای درون جریانی نباید دستاویزی برای جناح رقیب و جریان تندروی حاکم بر کشور برای کوبیدن شرکای سیاسی ما باشد چرا که مردم، نخبگان و دلسوزان این ملک و ملت، نیک می‌دانند یکه‌تازی و انحصارطلبی جریان قدرت حاکم چه آسیب‌ها و فرصت سوزی‌های جبران ناشدنی به بار آورده که پرداختن به تک‌تک آن‌ها در حوصله این مجال نمی‌گنجد و حزب در مناسبت‌ها و مقاطع مختلف حیات سیاسی خود مکرراً طی بیانیه‌های مختلف نسبت به آن اعلام موضع کرده و از این به بعد هم خواهد کرد.

لذا حزب اراده ملت ایران با این بیانیه، نزدیک به دودهم همراهی و همکاری با دیگر احزاب اصلاح طلب راه آنجا که بر مدار حق ایستادند و آن هنگام که صدای مطالبات ملت و دغدغه‌مند و دلسوز منافع ملی بودند، گرامی داشته و از ایشان سپاسگزاری می‌کند و حکایت سالها هم‌نشینی با دیگر اصلاح طلبان را همچون تجربه‌ای عمیق و پندآموز ارج می‌نهد. برای دیگر احزاب سیاسی در جبهه اصلاح طلبی و دیگر جناح‌های سیاسی کشور نیز آرزوی پایداری و حضوری مؤثر و مسئولانه می‌نماید.

حزب اراده ملت ایران مردادماه یکهزار و سیصد و نودونه خورشیدی»

حزب در ۵ سال اخیر مؤکداً پیگیر شکل‌گیری مکانیسم نقد درون جریانی و آسیب‌شناسی جبهه اصلاحات بود ولی متأسفانه چون گذشته فرصت‌ها یکی پس از دیگری از دست رفت و هر بار به بهانه‌هایی از این مسئولیت مهم و ضروری برای بازسازی جریان اصلاحات، غفلت و کوتاهی شد. در نتیجه حزب اراده ملت امید و آمالی که در پیوستن به شورای هماهنگی داشت از دست رفته دید و آخرین فرصت مناسب نیز که پس از انتخابات سال ۹۶ دست داد، عملاً بر باد رفت. لذا بدین منوال دیگر حجت بر حاما تمام شد و ادامه وضع را برای خود غیر قابل قبول می‌داند.

علیرغم اینها، حاما امیدوار است جریان اصلاح طلبی به عنوان گفتمانی شفاف و پاسخگو با بهره‌گیری از تجارب تاریخی خود در امر مهم تحقق دموکراسی و عدالت سر بلند گردد.

حزب اراده ملت ایران با درک این وضعیت جدید، ضمن بازشناسی آسیب‌ها و نیایدها و با چشم‌داشت به سرمشق‌های آزادی و برابری به مثابه گوهر بنیادین هر حرکت اصلاح طلبانه، یکی از راه‌های برون رفت از مشکلات پیش رو را تحقق بی‌چون و چرای حکمروایی حزبی در سپهر سیاسی ایران در ذیل مانیفست و راهبردی مشخص و مدون می‌داند و تلاش به برساختن حزبی در تراز جامعه مدنی را راهکاری کارآمد می‌پندارد.

حاما البته مدینیتی را آماج می‌کند که ابتدای آن بر طبقات، اقشار و اصناف «نادیده انگاشته شده» اعم از کارگران، کارمندان، زنان و جوانان و ... بوده و هرگونه کسب قدرتی مطلوبیت و ارزشمندی خود را معطوف به برآورده ساختن «مطالبات فی الحال» مردم خواهد یافت.

بنابراین هرچند سپهر سیاست به‌ویژه در ایران ایجاب می‌کند که پیوندهای استراتژیک بین همسویان و مؤتلفین سیاسی، با احتیاط و دقت مدبرانه‌ای تا حد امکان حفظ شود؛ تلاش برای نگه‌داشت این هم‌رسانی‌ها اما موجب می‌گردد که در نگاه دآوری کننده بخشی از مردم، کنش‌های حزبی بسیار کند و دیر هنگام و حتی گاهی بزدلانه و عاقبت طلبانه ارزیابی شود. البته این نخواستن‌ها و نستودن‌های عمومی برای پیشبرد اهدافی دور دست‌تر و از اقتضائات کنش ورزی سیاسی امری اجتناب ناپذیر بوده و حزب اراده ملت آن را هرچند، گاهی با تلخ کامی اما بارها به



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



از خاتمی بگذرید و طرحی نو در اندازید!



ادریس محمدی
روزنامه نگار و فعال سیاسی

Edrismohammadi1994@gmail.com

نویسنده که یکی از اعضای حزب اراده ملت ایران است این مطلب را یک سال قبل از انتخابات مجلس تهیه کرده بود که با توجه به توقف انتشار، چاپ نشده بود در بازبینی مطالب جامانده محتوای مطلب را در راستای خروج حزب از شورای هماهنگی اصلاح طلبان مناسب برای انعکاس یافتیم. استدلال هایی در آن وجود داشت که می تواند در تبیین علل و دلایل خروج تأثیرگذار باشد.

راندمن قدرت در تاروپود و گفتمان کلمات منوط به آن هویداست. اصلاحات اما باری به دوش می کشد که گویا «فرعه» آن به نام آدمی افتاده است و البته ما ابناء بشر «خلوم جهول» اگر به تجرد ملائک و آن عقل کامل می رسیدیم؛ هیچ گاه سر به حمل اصلاح و خواستگاه آن یعنی عشق فرو نمی آوردیم. ما چنین پنداشتیم که راه سهل است و ما توانا؛ گو اینکه «صفری فرود» و «افتاد مشکل ها»! ما شرفیان بسان مردمان مغرب، در پی اصلاح برآمدیم. هر بار به صورتی و به مسلکی، باشد که داد آن را ستانده و در آرجاء جامعه به منصفه تجلی درآوریم؛ اما پیچیدن به قدرت و دل خوشی به آن، راهی است که مصلحان سلف ما، وادی آن را ورطه ای پر از فتنه می دیدند. اصلاحات هر چه بود به حال رسید و اکنون سه کیلواژه قدرت، اصلاح و جایگاه مردم در آن تعریف درستی ندارد. قدرت به چه قیمتی به کار می آید؟ اصلاح در چه صورتی رمق می بخشد؟ مردمان چگونه جان می گیرند؟ پرسش هایی که اهتمام به آن ها اکنون نه یک ضرورت، بلکه حیات اصلاحات به شمار می آید. پیش تر و در شمارگان قبلی نقل کرده بودم که اینک آنچه اصلاحات نام دارد؛ بار گفتمانی خود را بر زمین گذاشته و جای خود را به زورق ناپایدار قدرت داده است. اصلاحات نام نیکی بود که گویی همچون جام حیات، بر دست هر کس که افتاد در میدان قدرت نقشی بی چون و چرا را عهده دار شد. دلیل این رابطه دال و مدلولی یا به تعبیری دیگر، علت و معلولی مبرهن است! مردم اگر به چیزی اعتماد ورزند به همان نیز تکیه می کنند و خاصیت اعتماد در اصل کلمه نیز همین است. برخی از این موضوع استفاده کردند و خود را در لابه لای دیسکورسی عظیم قایم نمودند تا از نردبان قدرت بالا روند نردبانی که البته تکه به تکه آن از اعتماد ملت ساخته شده بود. بی گمان امروز این نردبان بی پایه و سست گردیده است و همه آن برمی گردد به اصلاحاتی که قدرت را از مردم و نه برای مردم اخذ نمود. پس از ساعت ها صرف وقت و مجادله پیرامون «قدرت زدگی و سیاست

زدگی» اصلاحات چی ها و سوءاستفاده از این جام حیات، امروز دیگر این بحث بی فایده است. قبول این موضوع که حنای اصلاحات برای عده بسیاری دیگر رنگی ندارد؛ برای اصلاح طلبان سخت می نماید. اما بگذارید این بار با جرأت بگویم که اگر اصلاحات به روند کنونی خویش ادامه دهد؛ از دست خواهد رفت. بدیهی است که مراد من از پروسه و گفتمان اصلاحات نیست؛ بلکه همین اندکی است که از ۷۶ و با حضور خاتمی رونق یافت. پیش تر خوف این موضوع که «پس کشیدن» خاتمی به قول عوام «پا از گلیم درازتر کردن» باشد؛ من کوچک را بر این می داشت که این موضوع را حتی در لفافه نیز بیان نکنم؛ اما حقیقت این است که اگر پروسه اصلاحات بر پاشنه خاتمی بچرخد و در این خرابات طرحی نو انداخته نشود؛ ماحصل هر آنچه هست و نیست به باد سپرده می شود. آن هم باد محاق ...

حوادث «پسائینزی» و رخدادهای تلخ پس از آن، دل هر کدام از ما را به درد آورد. پرسش برخی از هم میهنان پس از انتشار این نوشتار این خواهد بود که دقیقاً تقصیر خاتمی در کجای ماجرا نهفته بود؟ جواب بسیار ساده است و درعین حال تأمل برانگیز! خالق گفتمان تممن ها که پس از سکوتی طولیل و هم زمان با ترامپ بیانیهای پیرامون اوضاع کشور صادر نمود؛ چه سهمی در هدایت مردم و مطالبات آن ها دارد؟ نقش خاتمی در ۹۶ چه بود و اینک در ۹۸ چه باری بر دوش می کشد؟ به عنوان کسی که مدعی رهبری اصلاحات است و با یک «تکرار» و چپش عده ای در تکه ای کاغذ به عنوان لیست امید، چیدمان قدرت را دستخوش قدرت می کند؛ دقیقاً مشخص نماید که جایگاه او و نهادهای مدنی پیرو خط مشی او کجاست؟ آیا «تکرار» غم هم پرواز» است و مملکت را چهارچشمی می باید که اجنبی و طماع بر آن خیره نشود یا کماکان غم قدرت و بازدهمین مجلس او را سرگرم تهیه لیستی دیگر نموده است؟ لیستی که البته دیگر با اشارت او «تکرار» نخواهد شد. این گونه لیست ها و شوراها به اصطلاح عالی زحمت افزاست و گره بر گره می بندد. هر صاحب خردی نیک درمی یابد که امروز احزاب به جای وصل کردن ملت به خود، از پی فصل ایشان با تشکیل شوراها قمر در عقرب برآمده اند و این روند نامیمون بوروکراتیک احزاب، ما ایرانیان را به کلی از کنشگری مسالمت آمیز دور انداخته است. در نبود و انفعال نهادهای حزبی و به تبع آن جذب و حل جامعه مدنی در توده، تصاویری شکل می گیرد که جان می کاهد و چشم را یارای شهادت بر آن نیست! این پیکر، زخمی عمیق برداشته و همه آن از ما بود که بر ما ...

باری ... خاتمی دیگر نمی تواند رهبر اصلاحات باشد و این جریان عظیم مگر خود به راه پر فراز و نشیب خویش ادامه دهد و اگر سید اصلاحات می خواهد جزئی از آن بماند حرفی نیست؛ اما رهبری او دیگر کارآمد نمی نماید.

که روزی کاردان کاملی بود

بر این جان پریشان رحمت آرید



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



اصلاحات حداقلی، اصلاحات حداکثری

سعید حجاریان



فهم درست تحلیل سعید حجاریان که بعد از خروج حزب از شورای هماهنگی اصلاح طلبان نگاشته شده، در واقع به نوعی ناخواسته می توان تأییدیه اقدام حزب تلقی شود که سخن نظریه پرداز جبهه اصلاح طلبان دلالت بر آن دارد، آنجا که تصریح می کند: «مسأله اصلاحات در شرایط کنونی عدم التفات نسبت به منطق موقعیت اش است»

جامعه امروز ایران بیش از پیش میل به تکرر یافته است. با این وصف، خطایی راهبردی است که در درون جریان اصلاحات این تکرر به رسمیت شناخته نشود و در پی آن فراکسیون هایی پدید نیاید؛ فراکسیون هایی که طبعاً گفتمان های متفاوتی را دنبال می کنند و راه های بسیج و سازمان دهی مختلفی را پیش می گیرند و مهم تر از آن در نسبت میان خود و حاکمیت مسیرهایی متفاوت را می پیمایند.

پیش تر، در مباحثه ای میان آقای مصطفی ملکبان و من، از دو گانه «تقلیل مرارت» و «تقریر حقیقت» سخن به میان آمد. به گمان من بحث مذکور که سابقاً میان دو تفکر فلسفی-اخلاقی و جامعه شناسی-سیاسی در جریان بود، اینک با مقداری تغییر به بدنه جریان اصلاحات اعم از احزاب و کنشگران مستقل رسوخ کرده و آن را ناگزیر از دویارگی استراتژیک کرده است. این دویارگی در مواضع و راهبردهای دو گروه متجلی است.

گروه نخست معتقدند، اصلاح طلبان بایستی بی توجه به سیاست های کلی از

هر روزنی برای مشارکت در اداره امور عمومی کشور استفاده کنند، به اصحاب قدرت علیا و سفلی مشورت دهند و در صورت امکان عهده دار اداره بخش هایی از بوروکراسی کشور شوند.

این نگاه عامل محور، معتقد است علت ناکارآمدی، فساد، نابرابری و دیگر مشکلات این است که تفکر اصلاحی یا به بیان دقیق تر، بهبودخواهانه، در درون ساخت قدرت فاقد نماینده اثر گذار است؛ بنابراین، در هر سطحی-که هسته سخت قدرت پذیرفت- باید ورود کرد، دست به اصلاح حداقلی زد و اصطلاحاً «تقلیل مرارت» کرد.

گروه دوم معتقدند اصلاحات در پایین، بدون سطحی از اصلاحات در بالا ناممکن است و از این رو، «تقریر حقیقت» را مقدم بر سایر اقدامات می دانند.

«تقریر حقیقت» در چارچوب بحث حاضر یعنی کوشش جهت اثرگذاری بر تصمیم سازی و نه لزوماً عوامل تصمیم گیر و رویه های جاری؛ یعنی تغییر سیاست های کلی و بالادستی.

از این منظر این سنخ از اصلاحات زمانی ورود به بوروکراسی و مشورت به اصحاب قدرت را مؤثر می داند که قادر باشد بر ساختار تأثیر بگذارد؛ ساختاری که ناکارآمدی، فساد، نابرابری و... معلول آن است نه علت آن.

مسأله اصلاحات در شرایط کنونی عدم التفات نسبت به منطق موقعیت اش است؛ یک سوازیاد زباله گردی و سرقت نان و در یک کلمه «فقر» است و سوی دیگر، انواع تبعیض و جان های از دست رفته مردم و در یک کلام «ظلم». با این وصف، نمی توان اصلاحات را پروژه های تک پایه و تک بعدی تعریف کرد. برای این منظور ضروری است سنتزی از دو رهیافت «تقلیل مرارت» و «تقریر حقیقت» به دست داد و برای این منظور باید تعریفی نواز مقوله «تقریر حقیقت» ارائه کرد.

حاما و مطالبات مردمی



علیرضا مقدم
پژوهشگر و فعال سیاسی

a9115539035@gmail.com

خروج حزب اراده ملت ایران از شورای هماهنگی اصلاح طلبان را می توان تصمیمی بزرگ و اثرگذار و جسورانه نه تنها در تاریخ حیات این حزب بلکه در کل تاریخ اصلاح طلبی کشور برشمرد.

چراکه این تصمیم بزرگ از طرفی نشانگر همسویی و انطباق کامل حزب اراده ملت ایران با خواست و اراده ملت ایران و درجه اهمیت دهی حزب به مطالبات به حق مردمی بوده و از دیگر سو پیغام و هشدار است برای آن دسته از جریان اصلاحات که منفعت طلبی را ارزش خود قرار داده و با منشی قدرت طلبانه هر زمان که به قدرت رسیده با جریان حاکمیت همسو شده و آرمان های اصلاح گرانه را به بوته فراموشی سپرده و هر زمان با کم اقبالی و بی توجهی حاکمیت روبرو گردیده فریاد اصلاح طلبی شان گوش فلک را کر نموده است. هسته مرکزی حزب اراده ملت ایران به درستی و به موقع به این تشخیص اساسی رسیده است که توسعه همه جانبه فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی و سیاسی نیاز اولیه کشور بوده و بر این مینا جامعه ی تشنه ی تغییر، نیاز اساسی و بنیادین به یک پارادایم نو و قوی برای مطالبات برحق خود دارد.

در شرایطی که ناخرسندی خواص از عملکرد دولت تدبیر و امید با بی اعتمادی عمومی به خاطر تورم افسار گسیخته چند سال اخیر گره خورد و موج اعتراضات مردمی را برانگیخت خیلی از فعالان سیاسی با نگاه بدبینانه مرگ اصلاحات را اعلام نمودند!

اما در این شرایط حاما تصمیم گرفت که جانی دوباره به این تن بیمار و رنجور ببخشد و این ممکن نمی شد مگر با از خود گذشتگی تا از جان خویش بر این کالبد در حال احتضار بدمد.

با نگاهی دوباره به سخنان دبیر کل حاما در نهمین کنگره حزب که قریب دو سال قبل از خروج حزب از شورای هماهنگی اصلاح طلبان

بوده به روشنی می توان دغدغه مندی شورای مرکزی حزب را در خصوص آینده اصلاحات به وضوح دید. در آن مراسم آقای دکتر حکیمی پور ضمن اشاره بر لزوم گفتمان انتقادی از جریان اصلاحات تصریح نمودند: «اصلاح طلبی یک ایدئولوژی نیست، بلکه یک منش است. منشی مبتنی بر شفافیت و پاکدستی و قانون مندی و داشتن قلبی دردمند برای پیشرفت کشور و آینده ایران» و سپس اضافه کردند: «ما نیازمند تعریف تازه و جامع تری از اصلاح طلبی هستیم، تعریفی که خواسته ها و مطالبات برحق همه مردم ایران را در بر داشته باشد» در اینجا قصد نداریم به دلایل اتخاذ این تصمیم از سوی حزب بپردازیم چراکه متن بیانیه به صورت اتم و اکمل به موضوع پرداخته و به روشنی آن را تبیین نموده است بنابراین فقط اشاره گذاری به دستاوردهای آن خواهیم نمود؛ همه ما به عیان می دانیم که عامه مردم نه امیدی به اصلاح طلبان و نه اعتمادی به اصولگرایان دارند، چراکه هر دوی این جریان های سیاسی توفیق چندانی در اداره کشور و جلب رضایت و اعتماد عمومی نداشته و کشور گام به گام به سوی قهقرا پیش رفته و مصائب و معضلات ریشه دارتر و بر روی هم انباشته شده و به صورت لاینحل دیده می شود. علاوه بر این هر جا که شخصی یا گروهی پیدا شده تا با همتی مضاعف گره از مشکلات بکشایند، متأسفانه اراده ای پنهان از انجام آن جلوگیری نموده و در نهایت کمترین دستاوردی عاید نگردیده است. در این اوضاع و احوال تکلیف یک حزب مردمی که خود را متعهد و ملزم به خدمت به ملت می داند چیست؟ آیا باید همچنان در مسیری ادامه حضور داشته باشد که هیچ چشم اندازی برای توسعه و هیچ برنامه ای برای خروج از بحران ندارد؟

خروج حزب اراده ملت ایران از شورای هماهنگی اصلاح طلبان فرصت مغتنمی است برای آسیب شناسی جریان اصلاحات و همچنین بازتعریف گفتمان اصلاحات بر پایه پارادایمی جدید برای پیگیری مطالبات.

بر این اساس تصمیم بر خروج از شورای هماهنگی گرفته شد تا با نگاهی منتقدانه به خویشستن و نگاهی مصلحانه به جریان اصلاح طلبی، گفتمان جدیدی را بر مبنای خواست و اراده ملت ایران طرح ریزی و ارائه نماید، باشد که با اجماع تمامی دلسوزان کشور آینده ای روشن و افتخارآمیز برای ایران و ایرانی رقم بخورد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



مطالبات محلی
شعب شہرستانی
حزب ارادہ ملت



مطالبه مدنی



بهمن کبیری پرویزی
پژوهشگر و فعال رسانه‌ای

bkp2001ir@gmail.com

اجرای قانون تمام فرآیند قانون گذاری ابتر باقی می ماند. نکته مهم این است که اگر شهروند خود برای اجرایی شدن قانون به هر دلیلی مسامحه کند نمی تواند و از تحقق حق خود صرف نظر کند، انتظار داشته باشد که دیگران حق شهروندی را دودستی تقدیم کنند. طبیعی و بدیهی است که قانون وضع شده به ضرر هر کس باشد آن فرد در برابر اجرای قانون مقاومت کند. «مطالبه مدنی» روشی نظام مند توسط ذینفعان قانون است که به گونه ای عاری از خشونت حق خود را مطالبه می کنند. «مطالبه گران مدنی» برای احقاق حقوق حقه خود درخواست می کنند و لو آن که مطمئن باشند در بدو امر به حقوق حقه خود نمی رسند و یا با مقاومت روبرو می شوند. «مطالبه گران مدنی» متوسل به خشونت نمی شوند و از حدود قانون تخطی نمی کنند. «مطالبه گران مدنی» به وظایف قانونی خود عمل می کنند و دیگران را ملزم می کنند به وظایف قانونی خود عمل کنند. «مطالبه گران مدنی» تحت تأثیر شخصیت و کاریزمای طرف مقابل خود قرار نمی گیرند و منصب و مقام طرف مقابل آنان را تحت تأثیر قرار نمی دهد و از مطالبه حق خود باز نمی دارد. «مطالبه گران» مدنی در مطالبه حق خود دچار خودسانسوری نمی شوند و حاضر نمی شوند به هیچ قیمتی از حق خود بگذرند، لیکن حرمت طرف مقابل را نیز حفظ می کنند و از جاده عدل و انصاف خارج نمی شوند. به دلیل شفاف کردن خواسته ها «مطالبه گران مدنی» دچار خشم فروخته نمی شوند و نمی توان هر خواسته ناحقی را بر آنان تحمیل کرد. مطالبه حقوق حقه از طرق مدنی یا همان «مطالبه مدنی» به سلامت روانی مردم در جامعه و تعادل اجتماع کمک می کند و اجتماع را از بی نظمی یا آنتروپی دور می کند.

وقتی قانون گذار قانونی را وضع نمود و به تصویب رساند کار قانون گذار و قانون تمام می شود. مهم ترین نکته «فردای بعد از قانون» است. بزرگ ترین اشتباه ما این خواهد بود که در «فردای بعد از قانون» انتظار داشته باشیم قانون به صورت خودکار اجرا شود. این ما هستیم که با درخواست اجرای قانون به اجرایی شدن قانون کمک می کنیم. در فرآیند تصویب قانون نخست اندیشه ای ماهیت قانون شکل گرفته و سپس به گفتار گفته شده و به کردار عمل شده و سپس در جمعی تکرار شده و تبدیل به عرف شده و در حالت رسمی خود به تصویب مراجع مختلف و مقرر رسیده و در نهایت در روزنامه رسمی درج شده و شکل رسمی به خود گرفته است. این فرآیند طبیعی ترین فرآیند شکل گیری و زایش قانون است. از این به بعد ذی نفعان قانون هستند که باید آن را به کار گیرند. حاصل کار قوه مقننه تصویب قوانین است و کار قوه مقننه در همین جا ختم می شود. از این مرحله به بعد شهروندان هستند که باید برای اعمال حقوق حقه قانونی خود برخیزند و این خیزش به هر عنوان دربردارنده خشونت نیست، ولی دربردارنده تحکم هست. این خیزش یا همان «مطالبه مدنی» درخواست ذینفعان قانون برای اجرای قانون است و از این طریق است که به اجرایی شدن قانون کمک می کند. بدون «مطالبه مدنی» و درخواست



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹

رحمان سعادت در راستای پیگیری مطالبات محلی سمنان عنوان کرد:

تقویت آموزش های فراگیر با برگزاری وبینارها و سمینارهای مجازی



رحمان سعادت، فعال سیاسی اجتماعی و عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان و دبیر حاما در شهرستان سمنان، با اشاره به نقش تأثیرگذار پیگیری مطالبات محلی در رشد و ارتقای جامعه محلی و همین طور در سطح ملی، از برگزاری وبینارها در راستای تقویت آموزش در حوزه سیاسی اجتماعی و مدیریت صحیح منابع آبی و اصلاح الگوی کشت در سمنان سخن گفت.

وی با بیان اهمیت بررسی مطالبات محلی و تأثیر آن بر رشد و ارتقای جامعه در سطح ملی، عنوان کرد: استان سمنان از ظرفیت های برجسته ای در صنعت و معدن و کشاورزی برخوردار است.

سعادت عنوان کرد: با توجه به اینکه در شهرستان سمنان علاقه بیشتری به رشته های پزشکی و فنی و ... وجود دارد به صورت عملی ساکنان شهرستان تمایل

کمتری به علوم سیاسی و اجتماعی نشان داده اند. جهت تقویت این امر و افزایش سواد سیاسی و علوم اجتماعی می توان از وبینارها و سمینارها یاری گرفت و در این حوزه می توان موفقیت بیشتری را در عرصه های مختلف برای شهرستان شاهد بود که با دوران کرونایی نیز مقارن شده است و این امر به تقویت تحقق این موضوع امداد می رساند.

وی افزود: آموزش های مجازی برای دانش آموزان و دانشجویان این فضا را به وجود آورده است که سواد مجازی و اینترنتی آن ها افزایش پیدا کند و ساکنان شهرستان سمنان تمایل بیشتری به این سبک آموزش ها پیدا کنند. مسلماً می توان از این فرصت بهره برد تا به تقویت سواد اجتماعی و سیاسی ساکنان پرداخت. وی یادآور شد: هر یک از اندیشمندان و پژوهشگران می توانند با یک برنامه ریزی مناسب در رشته های مختلف به آموزش های مدنظر و برگزاری جلسات در راستای بررسی و حل مشکلات موجود بپردازند.

وی با اشاره به اینکه جوانان از مشارکت بیشتری در استقبال از آموزش های مجازی برخوردار هستند، عنوان کرد: با توجه به شیوع کرونا ویروس و ثبات در فضای آموزشی کشور، آموزش های خود را به صورت فراگیر به شکل های مختلف حتی با مرکزیت سمنان و فرااستانی برگزار خواهیم کرد.

این عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان با اشاره به اینکه سمنان از منظر جمعیتی به دو قسمت تقسیم می شود و مطالبات در آن از وضوح مناسبی برخوردار است، گفت: در این زمینه با برگزاری جلسات مختلف مطالبات استخراج شد و توسعه و تقویت آموزش های اجتماعی و سیاسی از مطالبات برجسته ای بود که مطرح شد.

■ توجه و تأمل بر مدیریت صحیح منابع آبی

سعادت با اشاره به اینکه محدودیت منابع آبی در این استان از چالش های مطرح است که بر میزان تحقق امور سازنده دیگر اثرگذار است، ابراز کرد: اقدامات و راهکارهایی که در راستای رفع این موضوع تاکنون انجام شده است به صورت منسجم و مستمر نبوده است و این امر دلیلی بر نارسایی فعلی و حاکم

در این حوزه بوده است. سعادت برداشت های مستمر و بی قاعده از منابع آبی و سفره های زیرزمینی و بارش های کم و مصرف حجم زیادی از منابع آبی توسط کشاورزان و باغداران و ... را از دلایل کم آبی موجود در این استان عنوان کرد و از احیا و اجرای طرح تعادل بخشی به عنوان یکی از راهکارهای مدیریت صحیح منابع آبی نام برد و اضافه کرد: تدوین طرح سازگاری با کم آبی اقدامی نیز در اصلاح الگوی مصرف آب در استان سمنان همان گونه که کارشناسان امر مطرح کرده اند می تواند مؤثر باشد.

ایشان خاطر نشان کرد: شرایط کم آبی و چالش های مطرح در این حوزه بایستی برای ساکنان استان تشریح شود تا آن ها نیز در طرح الگوی بهینه مصرف مشارکت جویند و این امر به مطالبه و گفتگویی عمومی بدل شود و در این مسیر می توان از ظرفیت تشکلهای و سمن های تخصصی موجود نیز بهره برد.

سعادت با اشاره به سند بهره روری منابع آب و اجرای سند سازگاری با کم آبی عنوان کرد: می توان با تأمل و تمرکز بیشتر بر این سند آن را اقدامی مؤثر در مدیریت صحیح منابع آبی عنوان کرد و با اشاره به استفاده درست و سنجیده و کارشناسی در منابع آبی استان یادآور شد: میزان مصرف و نحوه مصرف در هر یک از حوزه های مورد نیاز باید بر اساس اولویت های مشخص شده باشد تا بتوان در مسیر احیای سفره های زیرزمینی گام برداشت.

این فعال سیاسی اجتماعی با بیان اینکه در بخش کشاورزی نیز بایستی دست به اقداماتی اصلاحی در راستای موضوعاتی همچون: اصلاح الگوی کشت و تجهیز بهره برداران به تجهیزات نوین آبیاری و ... زد، گفت: اصلاح الگوی کشت، تجهیز کشاورزان به تجهیزات نوین آبیاری و بهره گیری از روش های مدرن در این زمینه و روی آوردن به کشت های گلخانه ای می تواند باعث افزایش راندمان و بهره روری همراه با کاهش مصرف آب باشد.

وی جلوگیری از حفر چاه های غیر مجاز و تجهیز چاه های موجود به کنتورهای هوشمند را اقدامی سازنده در راستای حفظ منابع آبی خواند و بهره بردن از وبینارها و سمینارها را در راستای افزایش سواد سیاسی اجتماعی مؤثر ارزیابی کرد.

اسفندیار دهقان ناصر آبادی از پیگیری و تحقق مطالبات محلی شهرستان مرودشت خبر داد



اسفندیار دهقان ناصر آبادی، فعال اجتماعی و دبیر حاما

در شهرستان مرودشت با اشاره به اهمیت پیگیری و تحقق مطالبات محلی در راستای بهبود وضعیت جامعه محلی و همین طور تأثیر سازنده آن به صورت ملی عنوان کرد: در شهرستان مرودشت که در ۴۰ کیلومتری شیراز قرار دارد و از پتانسیل بالایی گردشگری و توریسم برخوردار است، برخی از مطالبات به وسیله پایش هایی که انجام شده به دست آمده و مورد بررسی و پیگیری قرار گرفته است.

دهقان افزود: در شهرستان مرودشت، تکمیل پروژه های عمرانی نیمه تمام به ویژه احداث ایستگاه راه آهن شهر و پیگیری تکمیل طرح جدید آبرسانی از سد درودزن به شهر مرودشت و روستاهای بخش مرکزی از مطالبات مطرح و به دست آمده در این شهرستان است.

وی با تشریح پیگیری های انجام شده در این خصوص، ابراز کرد: با تحقق هدف مذکور در آبرسانی از سد درودزن، جمعیتی ۲۰ هزار نفری و حدود ۲۱ روستا تحت پوشش آبرسانی از جمله دو دهستان محمدآباد و دهستان کناره و ... قرار خواهند گرفت.

وی با بیان پیگیری هایی که از طریق آقای قاسمی بخشدار مرکزی شهرستان مرودشت انجام گرفته است، ابراز کرد: در اینخصوص ۲۵ میلیارد تومان اعتبار تخصیص داده شده و پیمانکار طرح نیز مشخص شده است. هم اکنون حدود بیش از سه هفته است که پیمانکار در راستای آبرسانی به این روستاها مشغول به حفاری و لوله گذاری است.

این فعال اجتماعی با اشاره به وضعیت آبرسانی تا زمان اجرای این طرح در روستاهای بخش مرکزی مرودشت، یادآور شد: آبرسانی در روستاهای موردنظر توسط چاه های حفر شده آبار در جوار روستا تأمین می شد و یک یا دو روستا از این طریق آب شرب مورد نیاز خود را تأمین می کردند.

وی ادامه داد: در برخی از مناطق شهرستان به دلیل خشک سالی های به وقوع پیوسته سطح آب های زیر زمینی بسیار پایین رفته است و به تناسب شوری آب افزایش پیدا کرده است و این موضوع کیفیت لازم آب را از بین خواهد برد.

دهقان با اشاره به اینکه سد درودزن در ۸۰ کیلومتری مرودشت واقع شده است و جزئی از شهرستان محسوب می شود، گفت: بخش عمده ای از تأمین آب شیراز که کلان شهری با یک میلیون ۸۶۰ هزار نفر جمعیت است، از محل سد درودزن تهیه می شود. وی افزود: انتظار اهالی شهرستان مرودشت بر این بود که در سیر تأمین آب شرب شهروندان، ابتدا با توجه به محل سد، این اتفاق در مرودشت و سپس در کلان شهر شیراز بیفتد.

وی با بیان اینکه نماینده سابق مرودشت مهندس برومندی نیز در پیگیری و اختصاص بودجه در این طرح از نقشی مؤثر برخوردار بوده است، گفت: این پروژه عملیاتی شده است و امیدوار هستیم تا پایان دولت شاهد افتتاح این پروژه مهم و حیاتی برای بیش از ۲۰ هزار نفر اهالی در ۲۱ روستای بخش مرکزی مرودشت باشیم.

این فعال اجتماعی با اشاره به اینکه هر یک از شهروندان و فعالان اجتماعی بایستی پیگیری مطالبات جامعه محلی خود باشند، ابراز کرد: استمرار در این دست پیگیری ها می تواند وضعیتی مطلوب را برای شهروندان به وجود آورد.

دهقان تأکید کرد: در راستای تحقق مطالبات محلی شهرستان مرودشت تمام تلاش خود را به کار خواهیم گرفت و در این زمینه ارتباط خود را با فرماندار و مدیر آبار (آب و فاضلاب روستایی) حفظ کرده ایم و امید به خداوند که این مهم به سرانجام خواهد رسید.

وی با اشاره به یکی دیگر از مطالبات به دست آمده در سطح شهرستان مرودشت، خاطرنشان کرد: اتمام پروژه های نیمه تمام همواره باید در اولویت قرار گیرد و در این زمینه موضوع راه آهن و احداث ایستگاه راه آهن در شهرستان مرودشت با توجه به شرایط مهم شهرستان در ارتباط با قابلیت گردشگری که دارای آن است، مد نظر قرار گرفته است. وی در ارتباط با ظرفیت های گردشگری که این شهرستان از آن بهره مند است، افزود: این شهرستان به حکم وجود آثار تاریخی تخت جمشید از جایگاهی برجسته و خاص برخوردار است.

وی از احداث ایستگاه راه آهن که می تواند رونق را برای این منطقه به همراه داشته باشد، یاد کرد و ابراز داشت: بر اساس اعلام فرماندار شهرستان مرودشت، بودجه ای در این زمینه در نظر گرفته شده است و امید که تا ۴ ماه آینده عملیات احداث به نتیجه خواهد رسید.

دهقان با اشاره به اینکه شهرستان مرودشت از جمعیتی حدود ۴۰۰ هزار نفری برخوردار است، عنوان کرد: این شهرستان دارای ظرفیت های مختلف گردشگری از جمله تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد و میراث جهانی ثبت شده یونسکو است که می تواند به عنوان یکی از مراکز جذب گردشگر داخلی و خارجی محسوب شود و استقرار ایستگاه راه آهن قطعاً پویایی را برای این منطقه به همراه خواهد داشت. وی ضمن گلایه از اینکه تاکنون وضعیت ساختمان ایستگاه راه آهن مرودشت مشخص نشده است، گفت: شایسته نیست که شهروندان برای استفاده از راه آهن به چند کانکس مراجعه کنند.



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹

علی عالیقدر: واسطه گری آفت چرخه تولید و توزیع محصولات کشاورزی

علی عالیقدر، فعال سیاسی اجتماعی و دبیر حامادر

شهرستان ارومیه با اشاره به مشکلات و موانعی که برای کشاورزان با توجه به شرایط حاکم وجود دارد، خواستار توجه جدی مسئولان و نهادهای مرتبط به امر واسطه گری به عنوان آفت چرخه تولید و توزیع محصولات کشاورزی شد.

وی با اشاره به ضعف هایی که در نظام توزیع محصولات کشاورزی وجود دارد، عنوان کرد: ناعادلانه بودن قیمت محصولات خریداری شده از کشاورز توسط دلالان و عرضه آن به قیمتهای چند برابری در بازار از موضوعاتی است که بایستی مورد توجه جدی مسئولان و نهادهای مرتبط قرار گیرد.

عالیقدر با پرداختن به شکاف عمیقی که بین کشاورز و مصرف کننده محصولات شکل گرفته است تصریح کرد: بخش زیادی از زحماتی که کشاورزان برای دستیابی به سود حاصل از محصولات خود متحمل می شوند، در نظام توزیع موجود نادیده انگاشته و از بین می رود.

ایشان نبود مدیریت مناسب برای توزیع محصولات کشاورزی در رسیدگی به این موضوع را مهم ارزیابی کرد و عنوان کرد: زمانی که کشاورز بر اساس الگوی کشت وزارتخانه عمل می کند و در بازار قیمت مناسبی را برای محصول خود نمی تواند شاهد باشد، تنها راه باقیمانده را بهره از واسطه گران می یابد. استمرار امر مذکور می تواند اسباب بی اعتمادی را برای کشاورز نسبت به سیاست های مد نظر از سوی وزارتخانه



و همین طور کاهش تولید محصولات و به مخاطره افتادن امنیت غذایی را به همراه داشته باشد.

وی از نهادسازی و ایجاد صنف های مرتبط جهت حمایت از منافع کشاورزان، سخن گفت و افزود: ایجاد تشکلهای کشاورزی، تعاونی های روستایی و اتحادیه ها و ... استفاده از خود کشاورزان در طول این زنجیره می تواند بسیار مؤثر و سازنده باشد.

این فعال اجتماعی با اشاره به تشکیل تعاونی های قوی و منسجم در زنجیره مشخص تولید تا توزیع محصولات کشاورزی، خاطر نشان کرد: اگر زنجیره مزرعه تا رساندن محصول به سفره مصرف کننده، شکل پیدا کند قطعاً می توان دست بسیاری از واسطه گران را از سودهای هنگفت کوتاه کرد. وی با اشاره به شکل گیری زنجیره های تولید و توزیع و مزایای تحقق این امر، ابراز کرد: علاوه بر حذف واسطه گران غیر ضروری و کوتاه کردن فاصله میان کشاورز و مصرف کننده، زمانی که زنجیره شکل پیدا می کند می توان سطح زیر کشت محصولات و فرایند موجود را به دقت بررسی و پایش کرد.

این فعال سیاسی اجتماعی با اشاره به نقش نهادهای نظارتی و مرتبط در خرید و کنترل قیمت ها، گفت: نهادهایی که در قیمت گذاری، خریدهای تضمینی محصولات و نظارت بر توزیع و فروش دارند، باید در این زمینه ورودی جدی تر داشته باشند. ضمناً نهادهای مرتبط به نظام توزیع و عرضه محصولات همچون تعاونی های روستایی باید دارای برنامه های به فراخور زمان باشند تا بتوان کشاورزان را از این عرصه رهایی بخشید.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹





مطالبات زنان

زهره رحیمی، مسئول گروه آهنگ مادگانه (گام) - تعدادی از زنان دغدغه‌مند شامل فعالین مدنی در کنار زنانی از اعضای حزب اراده ملت ایران در گروه گام گرد هم آمده‌اند تا در کنار هم برای مسائل زنان کشور به چاره‌جویی بنشینند. نتیجه این نشست‌ها، تعمق بیشتر بر مسأله‌شناسی و آسیب‌شناسی مسئله بود؛ بنابراین دستاورد مطالعه و بررسی گام گزارشی شد که طی یک سلسله یادداشت تقدیم می‌شود. گام در این حرکت بر اشتغال زنان آسیب‌پذیر اندیشه کرده که ابعاد مختلف آنرا با شما در میان خواهند گذاشت.





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



آمار

معمولاً در بحث‌های مربوط به زنان آسیب‌پذیر، بر موضوع سرپرست‌بودن یا نبودن مانور زیادی داده می‌شود به طوری که رایج‌ترین دسته‌بندی‌های این قشر از جامعه را برحسب نوع سرپرستی آن‌ها صورت می‌دهند؛ بنابراین باید تأکید کنیم که سرپرست‌بودن زنان لزوماً به معنای آسیب‌پذیری آن‌ها نیست، حتی جریانات

برابری خواهانه امروز نگاه متفاوت به سرپرستی زنان با مردان را نکوهش می‌کنند و نسبت به اصلاح ادبیات جنسیت‌زده و واژگانی چون زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست پافشاری می‌کنند.

وجود مواردی چون؛ بیماری شدید جسمی-روانی، اعتیاد، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و اخلاقی، فقر اجتماعی می‌تواند زنان را چه در جایگاه سرپرست و چه غیرسرپرست از نظر اقتصادی آسیب‌پذیر نماید.

هرچند برای دسته‌بندی اقشار آسیب‌پذیر می‌توان از الگوهای مختلفی استفاده نمود که هر کدام بر محوریت یک مسئله گروه‌های آسیب‌پذیر را به گونه‌ای درجه‌بندی می‌کند، اما چنانچه ما بخواهیم به دسته‌بندی اقشار آسیب‌پذیر بر محور سرپرستی وفادار باشیم؛ زنان با آسیب‌های ذکر شده می‌توانند به شکل‌های مختلفی مسئولیت سرپرستی خود و دیگران را بر عهده داشته باشند. از جمله:

- زنان تحت تکفل همسر (معتاد، زندانی، معلول، بیماری صعب‌العلاج)

- زنان بدون همسر و تنها به دلیل جدایی، مرگ و با مفقودی که در بسیاری موارد نیز مسئولیت فرزندان را بر دوش دارند

- دختران تحت تکفل با سرپرست‌های آسیب‌پذیر

- دختران تنها یا دخترانی که دارای خواهر یا برادر کوچک‌تر تحت سرپرستی خود هستند

در اسناد بالادستی و متون و گزارشات آماری در محور گروه‌های آسیب‌پذیر، شاهد هستیم که در بسیاری موارد آماری از دختران مجرد در سنین مختلف و یا زنان بدون همسر به دلیل جدایی یا فوت همسر مورد اشاره قرار می‌گیرند. لازم به عرض است که قطعاً با توجه به وضعیت عرفی، فرهنگی و حقوقی جامعه، نام این گروه‌ها در چنین مباحث آسیب‌شناسانه‌ای مورد اشاره قرار می‌گیرند، و گر نه در صورت برخورداری این

افراد از شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی، این گروه‌ها را از زمره افراد آسیب‌پذیر بشمار نخواهند آمد. آمار گروه‌های آسیب‌پذیر کشور به دلایل مختلفی از جمله خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بالاست. البته همگی این عوامل به یک عامل گلوگاهی یعنی رویکرد مدیریتی و حاکمیتی کشور با مسئله آسیب و



ماریه طباطبایی



رؤیا ستاری



مریم زند

آسیب‌پذیری و همین‌طور چگونگی مواجهه با آن است.

طی آمار سال‌های اخیر حدوداً سه و نیم میلیون زن یعنی چیزی حدود ۱۳ درصد خانوارهای کشور را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند که بسیاری از آن‌ها وضعیت اقتصادی مناسبی ندارد. رقمی نزدیک به ۳۷ درصد توان‌یابان کشور از جامعه زنان هستند. ما در حال حاضر با احتساب محکومیت‌های کوتاه‌مدت، حدود نیم میلیون زندانی در کشور داریم که حدود ۳ درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. آمار زنان بدون همسر ما به دلیل جدایی یا فوت رقمی نزدیک به ۵ میلیون نفر است که بدون تردید متأثر از آسیب‌های روانشناسی فقدان یا فرایندهای جدایی دچار آسیب‌های روحی و اجتماعی و اقتصادی شدند. این در حالی است که بسیاری از این زنان، مسئولیت پرورش فرزندان را بر دوش دارند. از سویی مراجعات و پرونده‌های مداخلات بهزیستی تا حدودی شاخصی از وجود آسیب در جامعه محسوب می‌گردد. به‌طور مثال طبق آمار سال‌های اخیر، در سال رقمی نزدیک به یک میلیون و ۸۰۰ هزار زن در گروه‌های مداخله در بحران پذیرش شده‌اند و تعداد پرونده اجتماعی زنان در سازمان بهزیستی، رقمی نزدیک به نیم میلیون مورد است. اما تأکید بر یک نکته در یادداشت نخست گروه ما ضروری به نظر می‌رسد. آن هم این است که اساساً نگاه جنسیتی به مسائل از جمله اقشار آسیب‌پذیر امروزه دیگر پسندیده و قابل توجیه نیست و هر شهروند و گروه دغدغه‌مندی باید که فارغ از نگاه‌های جنسیتی به آسیب‌پذیران جامعه بپردازد اما آنچه ما را کماکان بر مدار رویکرد جنسیتی نگه داشت، تفاوت چشمگیر و غیرقابل انکار موقعیت و جایگاه و مسائل زنان در جامعه است که در یک بررسی منصفانه آن‌ها را نیازمند آسیب‌شناسی اختصاصی و برنامه‌ریزی ویژه نشان می‌دهد. امید که در فرایند کار به گونه‌ای پیش برود که به تدریج شاخص‌های جنسیت‌زده، هر چه کمرنگ‌تر گردد و به کلیت مسئله فارغ از این دسته‌بندی‌ها پرداخته شود.



سازمان های دولتی و اقشار آسیب پذیر

را تقویت نموده است یا موجبات توانمندی و میل به استقلال آن ها را علیرغم بی بضاعتی و کم بضاعتی شان فراهم کرده است؟ آیا این نهادها در مأموریت و رسالت اصلی خویش؛ یعنی امداد به مستضعفان شفاف و کارآمد و سازنده پیش رفته اند یا از عدم شفافیت مالی، مدیران ناکارآمد و فعالیت غیربهرینه رنج می برند؟



مehشید فاشمی



فاطمه قدم



فاطمه امامی

این گونه پرسش ها از جمله ابهامات و انتقاداتی است که پاسخ آن ها، می تواند سطح و میزان موفقیت پروژه های حمایتی و کامیابی ما در ریشه کنی فقر و آسیب اقتصادی این قشر را مشخص کند؛ که پرداختن به آن ها البته در این مقال نمی گنجد.

بیش از ۶ میلیون نفر از جمعیت کشور تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور هستند که این تعداد در قالب ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار خانوار قرار دارند و خدمات متفاوتی از سازمان بهزیستی دریافت می کنند. تقریباً نیمی از این مجموعه خانوار، تحت پوشش دریافت مستمری هستند. گاهی برخی از این خانوارها تا بیش از ۱۰ سال چشم انتظار ورود به فهرست دریافت مستمری هستند. مستمری پرداختی خانوارهای تک نفره حدوداً ۱۶۰ هزار تومان است.

این نهادها در سطح قانون گذار، مجری، پشتیبان یا ناظر قرار است که به نفع گروه های آسیب پذیر ایفای نقش کنند. وزارت صنعت معدن تجارت، وزارت تعاون و کار و امور اجتماعی، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، بهزیستی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفین، استانداری، جهاد دانشگاه، سازمان برنامه و بودجه، اداره فنی و حرفه ای، تأمین اجتماعی، سازمان زندان ها، شهرداری ها، بانک کشاورزی، بانک مهر، موسسه تاک و ... از جمله این نهادها و سازمان ها در سطوح و لایه های مختلف سیاستی و اجرایی هستند.

در این یادداشت مرور بسیار مختصری بر نهادهای دولتی و حکومتی متولی در امور اقشار و زنان آسیب پذیر داریم. بدون تردید در تمامی کشورها نقش دولت به عنوان متولی اصلی در امر سیاست گذاری های رفاهی و حمایتی، مهم ترین رکن در محور آسیب پذیری اقتصادی و اقشار آسیب پذیر محسوب می شود. در ایران

نیز کمک به اقشار آسیب پذیر از جمله زنان، در سایه رویکرد سیاست گذاران، خود را در قالب طرح ها و مدل های مختلف رفاهی و حمایتی نشان می دهد. رویکرد مدیران، در صد و سهم مدیران زن در سیاست گذاری ها، تعداد و نوع و نقش نهادهای متولی، میزان بودجه ها و مدیریت حاکم بر این نهادها، چگونگی نظارت بر عملکرد آن ها و میزان شفافیت و پاسخگویی آن ها همگی از جمله عوامل تأثیر گذار در این حوزه هستند. علاوه بر این، چنین نهادهایی با اقدامات و برنامه های مختلفی از جمله اهدای وام به شکل قرض الحسنه در جهت ایجاد مشاغل خانگی و خوداشتغالی، کمک هزینه های (تحصیلی، ازدواج، مسکن، درمان و زیارت) کمک هایی به این اقشار ارائه می دهند. فراهم کردن خدمات مشاوره برای زنان نیازمند و ارائه کمک هزینه سالمندی و روستایی- عشایری از دیگر خدمات این نهادهاست که مشمول زنان آسیب پذیر نیز می گردد. از سوی دیگر قرارگیری تحت پوشش بیمه ای و یا اقداماتی چون آموزش و توانمندسازی به جهت آمادگی برای اشتغال نوع دیگری از خدمات این نهادهاست.

اینکه در فرایند ارائه این خدمات، با چه رویکردی و چقدر و چه سهمی به زنان آسیب پذیر می رسد، پرسش های مهمی هستند که خیلی پاسخ روشنی برایشان نیست. به طور مثال آیا ارائه این خدمات رفتار تکدی گرانه و غیر مسئولانه نیازمندان

عوامل مؤثر در آسیب پذیری اقتصادی زنان

زنان مستقل و شاغل موفق در اطرافیان فرد؛ جغرافیای فقیر منطقه؛ زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی و امنیتی و ارتباطی نازل در شهر و محله؛ ساختارهای ناسالم اجتماعی؛ فقدان ضمانت اجرایی قوانین حمایت کننده؛ آداب و عرف آسیب‌زا؛ فقدان فرصت‌های اقتصادی؛ فرصت‌های نابرابر شغلی؛ کم‌شماری آماری؛ ترویج رویکرد تکدی‌گری؛ پارادایم مردانه حاکم؛ عدم توجه به مناسبات و ذهنیت زنانه در سیاست‌ها و فرایندها و اجرا؛ رویکرد ناسالم مدیران و صاحبان قدرت و سرمایه به توانایی زن و جنسیت زن؛ اعتماد ناکافی به زنان و نقش زنان؛ درجه نازل آزادی و آزادی‌پذیری جامعه زنان؛ هنجارهای فرهنگی ناکارآمد؛ فقدان قوانین حمایتی و قوانین محدودکننده؛ سهم ناچیز زنان در تسهیلات سلیقه‌ای یا غیرکنترل‌شده؛ مشکل تأمین وثیقه و ضامن؛ محیط ناامن اشتغال و بروز آزارها و تعرض‌های جنسی در محیط کار و ... اشاره نمود.

امیدواریم که ذکر بیش از ۵۰ عامل فردی و خانوادگی و اجتماعی، موجب کم‌توجهی خوانندگان گرامی به تک‌تک این عوامل نگردد؛ و این تعدد و تکرار تأییدی بر هرچه پیچیده‌تر بودن مسیر مواجهه با آسیب‌پذیری اقتصادی زنان دارد و آن را نیازمند اراده‌ای فراگیر و برنامه‌ریزی‌شده می‌نماید.



مرجانه میررحیمی



فروغ رستگار

در سال‌های گذشته گرچه آمار اشتغال زنان رو به فزونی بوده است اما همچنان وجود برخی ویژگی‌های ساختاری و شخصیتی، زنان را از نظر اقتصادی آسیب‌پذیر می‌نماید و حضور آنان را در عرصه‌های شغلی و تأمین معاش، دشوار یا غیرممکن می‌سازد. به‌طور کلی می‌توان عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری اقتصادی زنان را در سه دسته جای داد: عوامل فردی و شخصیتی، عوامل خانوادگی و عوامل محیطی و اجتماعی. عوامل فردی همچون فیزیولوژی زنانه؛ نوسانات خلقی و حساسیت‌های عاطفی-هیجانی زنانه؛ معلولیت‌ها؛ بیماری‌ها؛ اختلالات روانی-رفتاری؛ سستی و تنبلی فرد؛ سبک و عادات رفتاری ناپسند؛ عادات و رفتارهای محدودکننده؛ آزادی‌پذیری اندک؛ قربانی کردن موقعیت شخصی در قبال نقش مراقبتی در خانواده؛ عدم استقلال فردی؛ ضعف در تصمیم‌گیری؛ خودباوری اندک؛ باورهای مخدوش از نقش زنانه؛ کم‌توانی در مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی؛ هوش و استعداد اندک؛ کمیت و کیفیت پایین تحصیلات و مهارت‌های تخصصی از جمله مواردی است که متأثر از ویژگی‌های شخصیتی و سبک و سیاق زندگی فرد، قابلیت زنان برای ورود به عرصه‌های اقتصادی را تحدید می‌نماید.

عوامل خانوادگی نیز به شکل ویژه با ایجاد حاشیه ناامن و ناسالم اخلاقی، مالی و فرهنگی شرایط زنان برای اشتغال را آسیب‌پذیر می‌کند. جمعیت بالای خانواده؛ بیماری محدودکننده و اعتیاد و بزهکاری در هر یک از اعضای خانواده؛ برهم خوردن ساختار خانواده با مرگ و جدایی و فراق؛ محرومیت یا نابرابری در استفاده از سرمایه‌های خانوادگی (دارایی، منابع درآمدی و ارث)؛ فقدان امکانات رفاهی اولیه (مسکن، وسیله نقلیه و ...)؛ فقدان هویت و میراث‌های فرهنگی اجتماعی خانواده (همچون تبار، شهرت و مقبولیت)؛ فقدان افراد پشتیبان در خانواده؛ کمیت و کیفیت پایین تحصیلی، شغلی، فکری، رفتاری و مهارتی اعضای خانواده؛ ارتباطات اجتماعی ضعیف اعضای خانواده؛ فقر فرهنگی و اخلاقی؛ رویکرد ناسالم تربیتی و مدیریتی در خانواده؛ نابرابری در فرصت آموزش و اشتغال؛ درجه نازل آزادی و پیمال کردن حقوق فردی زنان در خانواده؛ محدودیت زنان در تصمیمات مالی و دسترسی به اطلاعات مالی و حساب‌های بانکی؛ تحمیل زندگی عاری از رفاه به زنان خانواده؛ محدودیت در مشارکت اجتماعی و اقتصادی؛ مانع‌تراشی در اشتغال و انکار خودمختاری مالی زنان از جمله مواردی است که از سوی خانواده زندگی شغلی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در کنار عوامل فردی و خانوادگی باید تأکید جدی داشت که تهدیدات و محدودیت‌های برآمده از برخی شرایط اجتماعی و محیطی نیز اشتغال و استقلال اقتصادی زنان آسیب‌پذیر را دشوار می‌نماید، از جمله این موارد می‌توان به ترکیب ناسالم و پرخطر افراد محله و شهر؛ تعداد اندک



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۳۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



سازمان‌های مردم‌نهاد و زنان آسیب‌پذیر

حقوقی و... / ارتقای کیفیت زندگی / گسترش و ارتقای فرهنگ
صحیح یاری‌رسانی / آماده کردن زنان برای پذیرش مسئولیت‌های
شغلی و اجتماعی / پوشش بیمه‌ای / پیگیری و تصویب قوانین و
توافقنامه‌های حامی زنان / پروژه‌های مشترک و منطقه‌ای
فقرزدایی / ایجاد و تقویت شبکه‌های ارتباطی و حمایتی زنان
سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان در دو لایه سمن‌های



نرگس مهری



طیبه معصومی

سازمان‌های مردم‌نهاد از همکاری شهروندانی با دغدغه‌های
اجتماعی و به‌صورت حرکتی خودجوش شکل می‌گیرند که
به‌طور غیرانتفاعی و مستقل از دولت و حاکمیت در مسیر
نگرانی‌های اجتماعی خود کنشگری می‌کنند. سمن‌ها با ایفای
سه نقش متفاوت می‌توانند در راستای توسعه یا رفاه جامعه گام
بردارند:

۱. آگاه‌سازی و آموزش و توانمندسازی شهروندان

۲. دیدبانی نهادهای دولتی و حاکمیتی و مطالبه‌گری از متولیان امر

۳. کنش‌های اجرایی و عملیاتی در ارتباط با مشکلات جامعه هدف

سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران به دلایل مختلفی از ماهیت و تصویر واقعی
و اثرگذار خود دور هستند و بسیاری‌شان نیز از کارآمدی و پویایی لازم برای
نقش‌آفرینی مؤثر برخوردار نیستند. به‌ویژه در حوزه نیکوکارانه گرایش اغلب آن‌ها
به سمت جمع‌آوری کمک‌های نقدی و اهدای اقلام موردنیاز و یا واریز وجوه
نقدی به حساب گروه‌های نیازمند می‌باشد. این اقدام داوطلبانه درعین حال که
تحسین برانگیز و قابل تقدیر است اما مشکل این آسیب‌ها را به‌طور ریشه‌ای حل
نمی‌کند و ای‌سبب روحیه تکدی‌گری و بی‌مسئولیتی در جامعه نیز دامن بزند. از
سوی دیگر تعداد این نهادهای خیریه موجهی گردیده است که برخی از نیازمندان که
از ویژگی‌های ارتباطات اجتماعی قوی‌تری برخوردارند هم‌زمان از چند نهاد خیریه
کمک دریافت نمایند و در عوض به یاری از نیازمندان که به دلایل شخصیتی و
رفتاری کمتر دست استمداد به‌سوی این نهادها دراز می‌کنند، در عین نیازمندتر
بودن، بی‌بهره‌تر بمانند. شوربختانه مواردی هم از تخلفات مالی و سوءاستفاده با نام
انجمن‌های خیریه مشاهده شده است که به سهم خود یک آفت در میدان فعالیت
جامعه مدنی است. همگی این اشارات نیازمند بررسی و اصلاحات جدی روی محور
نهادهای مدنی است که در اهداف و ظرفیت این یادداشت نمی‌باشد. از این مسئله
درگذریم و به اقداماتی که این نهادهای مدنی می‌توانند برای جامعه آسیب‌پذیر
زنان انجام دهند بپردازیم:

توانمندسازی و ایجاد اشتغال / کمک مالی و تأمین نیازهای معیشتی، درمانی،

داخل کشور و نهادهای بین‌المللی دسته‌بندی نمود.
نام برخی از این نهادها به گوش شما خورده است. مرکز خیریه مادر / موسسه
خیریه آتنا / موسسه مهر و ماه / موسسه خیریه نیکوکاران شریف / موسسه صیانت
از حقوق زن / انجمن حمایت از حقوق کودکان / بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و
جوانان / جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان / خانه خورشید / شبکه یاری کودکان
کار و خیابان / کانون فرهنگی حمایتی کودکان کار / کوشا / موسسه خیریه مهر
طاها / موسسه یاری کودکان در معرض خطر / موسسه زنان مدیر کار آفرین /
موسسه حمایتی مهر ایران / جمعیت امام علی / انجمن حمایت از زنان و دختران
بی‌سرپرست سوده / انجمن خیریه حمایت از زنان سرپرست خانوار / موسسه خیریه
ندای فرشتگان سرزمین من / موسسه امور خیریه یاران مهربان سبز / شرکت خیریه
گروه همیار زنان سرپرست خانوار / مرکز غیردولتی جامع توانمندسازی اشتغال و
کارآفرینی زنان و خانواده / بنیاد نیکوکاری دست‌های مهربان / انجمن بانوان مهر /
بنیاد مهر پایدار از شمار این نهادهای نیکوکارانه هستند که رویکردهای متنوعی در
این زمینه در پیش گرفته‌اند.

مراکزی چون کمیته محو تبعیض علیه زنان / کمیسیون مقام زن / بنیاد زنان ملل
متحد / انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده (حامی) / صندوق توانمندسازی
جهانی زنان / مرکز حقوق باروری / مرکز بین‌المللی زنان برای زنان / مرکز دختران
دانش آموز / صندوق دفاع حقوقی / آموزش به هر مادری / برابری امروز / بنیاد جهانی
زنان / بنیاد مشارکت و مراقبت نیز از جمله نهادهای بین‌المللی هستند که در غالب
پروژه‌های قارم‌ای یا منطقه‌ای یا کشوری به فعالیت علیه فقر و کاهش آسیب‌پذیری
اقتصادی زنان بیشتر با هدف توانمندسازی و یا حمایت حقوقی می‌پردازند.



چین و ماچین



حنای چینی و فرجام قرارداد ۲۵ ساله



سید قائم موسوی
پژوهشگر و تحلیلگر سیاسی

ghaemmousavi745@gmail.com

چنان کرشمه ساقی دلم ز دست پُرد / که با کسی دگرم نیست برگ گفت و شنود
سخن از قرارداد ۲۵ ساله با چین که شد طیفی از تحلیل‌های مخالف و موافق راه افتاد که این قرارداد چین و چنان خواهد کرد. هر کسی از ظن خود، با یا بر این قرارداد موضعی اتخاذ کرد. بودند اندک تحلیل‌هایی که بدون حب و بغض، آنالیز جامعی از سود و زیان آن برشمردند. قریب به اتفاق نیز با توجه به اصطکاک‌های جدی چین و آمریکا از یک سو و ضرورت انعقاد قرارداد از سوی ایران، تصورشان بر این بود که چین با داشتن دست بالا در مذاکرات و اشراف بر شرایط اقتصادی ایران، از قرارداد استقبال خواهد کرد. فی‌الواقع دغدغه تحلیلگران داخلی بر چگونگی تحمیل اراده درازمدت چین بر مقدرات ایرانیان در بازه‌ای ۲۵ ساله متمرکز شده بود و فکر نمی‌کردند که چین حاضر به کنار آمدن نباشد و شرط و شروطی فراتر از ناز و کرشمه برای ایران بگذارد. عجیب اینکه با در هم تنیدگی اقتصادی ایران با چین و به‌نوعی وابستگی به آن، سردمداران ایرانی عاجز از درک منطق حاکم بر سیاست خارجی چین اذعان داشتند که با توجه به اینکه چین به‌زودی ابر قدرت اقتصادی جهان می‌شود، منطق این قرارداد را موجه جلوه می‌دادند. فارغ از اینکه چین ملزومات و ستون‌های متنوع سیاست خارجی‌اش را فدای منازعه دیرپای ایران با غرب نخواهد کرد.

بر همین مبنا چینی‌ها در سفر ظریف به چین با ظرافت دستش را در پوست گردو گذاشتند. آن‌ها انعقاد قرارداد را به مقدماتی منطقه‌ای گره زدند، چیزی که در عمل غیرممکن و به فرض عملیاتی شدن، وجوب شکل‌گیری قرارداد را نفی خواهد کرد. ظریف فهمیده بود که چین به‌زودی ابر قدرت اقتصادی دنیا خواهد شد ولی نفهمید که چنان جایگاهی مرموز نقش‌های پیچیده چین و گستردگی شریک‌های چین خواهد بود. حنای چینی که بی‌رنگ از آب درآمد، آقای روحانی از ضرورت الگوگیری از صلح امام حسن صحبت کرد. موضوعی که به‌شدت با واکنش رقیبان مواجه شده است. آن‌ها بدون قائل شدن نقشی برای خودشان، فارغ از صحت و سقم آن، شرایط فعلی را ماحصل گره زدن شرایط کشور به برجام با آبخوری مشابه سخنان کنونی روحانی می‌دانند. بماند که در توفیق یا ناکامی برجام خودشان چقدر دخیل می‌باشند. گزاره‌ای که هرگز درسی از آن آموخته نشد این بود که بیهوده در مارا تن ایران و آمریکا نقشی فراتر از انتظار برای چین و روسیه و گاه کشورهای اروپایی قائل بوده‌ایم. بی‌تردید استراتژی مطلوب دیرینه این کشورها بعلاوه کشورهای حوزه خلیج فارس در چالشی فرساینده و مستمر بین ایران و آمریکا مستتر است.

چالشی که در میانه عادی‌سازی روابط و جنگ در نوسان باشد، نه بیشتر!
این گونه آن‌ها همیشه قدرت جولان و بازیگری خواهند داشت و ما سر در گریبان نابسامانی‌ها و مضللات داخلی!

فشار غرب آغوش چین

سید قائم موسوی: برخلاف کسر زیادی از تحلیل‌گرانی که سیاست خارجی ایران را ایدئولوژیک توصیف می‌کنند، این سیاست بیشتر مبتنی بر رگه‌های آرمان‌گرایانه و در گردنه‌های سخت به‌شدت از شاخص‌های رئالیسم تدافعی تأثیرپذیر بوده است. هر چند پیشه کردن همین رئالیسم تدافعی بیشتر از اینکه متکی به برنامه و اراده باشد، ناشی از نوعی دتر مینیسم خارجی بوده است. حل و فصل بحران گروگانها، قطعنامه ۵۹۸، برجام و غیره، همه از خصلتی دقیقه‌نودی برخوردار بودند. تعبیر «جام زهر» در ارتباط با قطعنامه ۵۹۸ از نوعی پذیرش قهری نشأت می‌گیرد. اکنون و بعد از گذشت ۴ دهه مجدداً ضرورت‌ها و رفتارهای انعکاسی است که مسیر سیاست خارجی و به تبع کلیات سیاست ایران را معین می‌کند. هر چه دایره فشارهای آمریکایا و یکسو و انفعال کشورهای اروپایی از سوی دیگر تنگ‌تر می‌شود، امکان تحقق جام زهر استحال ایران در شرق بیشتر می‌شود. دغدغه‌های موجودیتی و جلوگیری از فروپاشی اقتصادی-اجتماعی دوباره ایران را در آستانه تصمیمی تاریخی و عدول از مهم‌ترین شاخص سیاست خارجی‌اش یعنی «نه شرقی نه غربی» سوق داده است. منطق کور و صفر-یکی ترامپ در تمایل شدن ایران به چین و یافتن گوشه مناسبی از رینگ جهت دفع حملات رگباری آمریکا نقش اساسی بازی می‌کند. طبیعتاً هیچ کشوری دوست ندارد در سیاست خارجی، خود را وابسته به کشوری دیگری بکند اما زمانی تنگناهای هژمونی رقیبی قدرتمند با خصوصیتی تهاجمی او را ناچار به اتخاذ سیاست‌هایی می‌کند که حداقل در ظاهر مطلوب نیستند.

سیاست خارجی آمریکا و تمایل ایران به انعقاد قراردادی استراتژیک با چین در نسبت معکوسی با نتایج مد نظر آن‌ها قرار دارد؛ یعنی هر چه فشار آمریکا بیشتر می‌شود ایران از امکان مصالحه دورتر می‌شود و در نتیجه برای بقای خود به چین نزدیک می‌شود. چین هم با توجه به رشد خیره‌کننده اقتصادی‌اش که رقیبی سرسخت برای یک‌جانبه‌گرایی آمریکا است، با اطلاع از تعیین‌کنندگی اثرات تحریم‌ها بر حال و روز ایرانی‌ها با داشتن دست بالا در مذاکرات، آغوشش را برای ایران باز خواهد کرد.

البته تعیین‌کنندگی تحریم‌ها صرفاً به بُعد خارجی آن‌ها مربوط نمی‌شود، چگونگی مواجهه داخلی و خلق طبقه‌ای که زیست سیاسی-اقتصادی‌شان متکی بر تحریم‌ها شد، موجب ایجاد آشفته‌گی‌ها و بی‌قراری‌های حداکثری آن‌ها شده است. هر چند اگر استیلای حل و فصل دقیقه‌آخری بر سیاست خارجی حاکم نبود و آب تحریم‌ها از سرچشمه بسته می‌شد، تحریم‌ها این‌گونه مانند طوفانی در اتلاف با ناکارآمدی‌های داخلی زندگی ایرانیان را آشوب‌زده نمی‌کرد. جایی که ضرورت بقاء و جلوگیری از فروپاشی اقتصادی-اجتماعی ایران را در آغوش اژدهای زرد فرو می‌افکند. راه دیگری در مارا تن ایران و آمریکا نیست، در ورطه استراتژی نه مذاکره نه جنگ (که خود نوعی جنگ فرسایشی است و سرانجام سبب اصطکاک داخلی خواهد شد)، نیاز به آغوش دایه‌ای مانند چین است، دایه‌ای که بارها نشان داده مهر مادری ندارد.



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

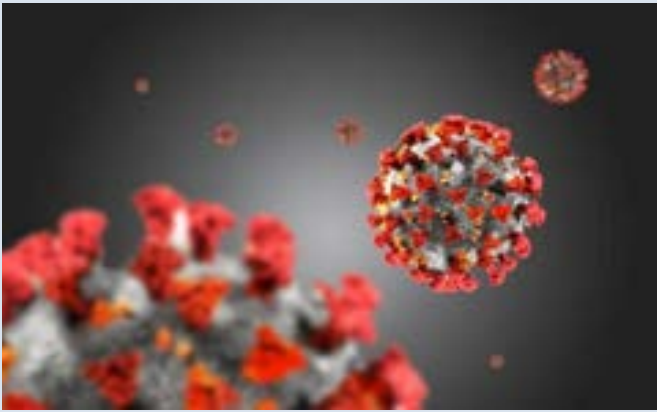
شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹





کرونا



دوروی سکه!

درمان در مقابل پیشگیری



افشین فرهانچی
قائم مقام دبیر کل حزب اراده ملت ایران
afarhanchi1970@yahoo.com

ضد ویروس، خرید دستگاه‌های تهویه مکانیکی، برقراری سیستم‌های مقیمی پزشکان در اولویت بسیار بالاتری برای مسئولین امر قرار داشت تا تهیه و توزیع اقلام بهداشتی، آموزش‌های مستمر و مؤثر برای توده مردم و دادن بودجه برای زیرسازی فاصله گذاری فیزیکی.



البته بحران بیماری کووید ۱۹ باعث شد که تلنگری هم به جامعه و هم به نظام سلامت وارد شود و مجدداً همه متوجه اهمیت بخش پیشگیری گردند. این موضوع در بلندمدت فرایند متعادل سازی بین بخش درمان و سایر بخش‌ها را جلو خواهد برد و می‌تواند نویدبخش اتفاقات خوب در سیستم سلامت ایران باشد. تأکید بر زدن ماسک، شستن دست‌ها و فاصله گذاری فیزیکی جامعه را متوجه این امر نمود که برای مقابله با بسیاری از بیماری‌ها، پیشگیری بسیار مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر از فرایندهای درمانی است. در نظام سلامت کشورهای پیشرفته غربی و شرقی (به غیر از آمریکا و تاحدودی فرانسه) نظام سلامت تلاش می‌کند با تمام توان از بروز بیماری‌ها و ناتوانی‌ها در افراد جلوگیری کند و بخش اعظم بودجه‌های نظام سلامت به این بخش‌ها تخصیص میابد. در کانادا، سوئد و چین تلاش متولیان امر بر این است که با اقدامات مختلف مانع از ایجاد بیماری یا ناتوانی در افراد شود. در نظام سلامت ژاپن از سال‌ها پیش تمرکز زیادی بر تشخیص‌های قبل از تولد و در بدو تولد گذاشته شده است تا مانع از ایجاد بیماری‌های قابل پیشگیری شوند و در پارادایم طبی آن‌ها تقسیم‌بندی اصلی بیماری‌ها به دو دسته قابل پیشگیری و غیرقابل پیشگیری است. البته نظام سلامت ایران که بسیار متأثر از نظام سلامت آمریکا و در وهله دوم فرانسه است در بخش‌های مختلف این مشکل را دارد و جامعه نیز به شیوه‌های مختلف همین انتظار را به وجود آورده است. رایگان نمودن درمان بیماران مبتلا به کووید ۱۹، در حالی که برای پیشگیری از آن خود افراد مجبور به هزینه کردن بودند از جمله معضلاتی است که در این بحران دیده شد. اخبار موجود در رسانه‌های جمعی نیز توجه زیادی به مسئله مبتلایان می‌کرد و از مباحث مربوط به جلوگیری از وقوع و بروز این بیماری غافل بود. حتی در انعکاس اخبار خارج از کشور نیز، تمرکز بیشتر بر روی مبتلایان و روش‌های درمانی بود تا مکانیسم‌های جلوگیری از بیماری و گسترش آن. بالاین حال این روی سکه نشان از این دارد که این بحران، آگاهی جمعی ما را نسبت به اهمیت پیشگیری تغییر داده است و در ماه‌ها و سال‌های آینده شاهد تغییر رویه‌هایی، در این باب، در بین سیاست‌گذاران خواهیم بود.



در بحران ایجادشده توسط ویروس کرونا، نظام سلامت کشور با تمام قوا وارد ماجرا شد. اما به علت ساختار موجود در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، درمان بخش وسیع‌تری را در کنترل بحران بر عهده گرفت. این موضوع فقط به علت خواست متولیان امر نبود بلکه ساختار، روال کار و فرایندهای تعریف‌شده و از همه مهم‌تر، آموزه‌های یادگرفته‌شده بدنه این وزارتخانه بود که ناخودآگاه به سمت درمان حرکت می‌کرد. در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر تعادل بین درمان و پیشگیری (و بخش‌های مرتبط با بهداشت) از قدیم وجود داشت و در این بحران همین تعادل توانست به کنترل بهتر اپیدمی ایجادشده در آن کشورها کمک کند. نظام سلامت کشور به دلایل عدیده‌ای درمان محور است و این موضوع مختص امروز و دیروز نیست، بلکه پیشینه‌ای طولانی دارد. از زمان تشکیل این وزارت خانه در دوران رضاشاه تربیت نیروهای درمانگر، ساخت بیمارستان و درمانگاه بخش بسیار وسیعی از خدمات این وزارت خانه را در بر می‌گرفت و دو دوره اصلاحات در این وزارت خانه در قالب تشکیل خانه‌های بهداشت بعد از انقلاب سفید زمان پهلوی دوم و راهاندازی سیستم بهورزی در بعد از انقلاب اسلامی نتوانست بر این درمان محوری غلبه نماید و به تدریج در بخش اصلی وزارت خانه مستحیل گردیدند. گرچه این دو گام و سایر گام‌های برداشته‌شده و گسترش بخش‌های بهداشتی و پیشگیری تا حدودی توانست این نقیصه را جبران نماید. انتخاب دکتر سعید نمکی که به نوعی نماینده بخش‌های غیر درمانی این وزارتخانه بود نشانه تداوم این گونه اصلاحات در سیستم بهداشت و درمان ایران بود البته به علت مزمن بودن مشکل موجود نباید انتظار تغییرات در کوتاه‌مدت را داشت. این امر باعث شده است که در بحران به وجود آمده و سایر بحران‌های مشابه، بخش درمان وزارت خانه نقش پررنگ‌تری را ایفا کند و بودجه‌های بیشتری را نسبت به بخش پیشگیری و بهداشت عمومی، به خود تخصیص دهد. در بیماری کووید ۱۹، تجهیز و راهاندازی بخش‌های مراقبت‌های ویژه، تولید داروهای

آقای وزیر؛ برای بهبود سرعت و کیفیت آموزش مجازی، سرورهای شاد را منطقه ای کنید

رضا قاسم پور
پژوهشگر و فعال فرهنگی

b.zanganli@gmail.com



■ وزیر آموزش و پرورش:

شبکه شاد در حال ارتقا و به روز آوری است، به نحوی که برنامه های آموزشی شبکه شاد و تلویزیون یکسان باشد تا اگر دانش آموزی دسترسی به ابزار هوشمند یا اینترنت نداشته، از آموزش محروم نشود. اینترنت شبکه شاد رایگان است و باید از ظرفیت های این سامانه به درستی استفاده شود.

- دیشب ساعت ده و نیم استاد فرهیخته دبیر محتشم علوم اجتماعی در حال اعلام نمرات آزمون ماهانه بودند که به ناگاه کل کلاس های شاد ایشان ناشدند و در بررسی های بعدی فهمیدیم که برخی از کلاس های مدارس کرج حذف و اضافه شده اند.

هفته پیش در به روز رسانی شاد کلاس بندی های قبلی به هم ریخته و برخی از دانش آموزان، ناخواسته جابجا شدند و دو هفته پیش داستانی دیگر...

این در حالی است که وزیر محترم هفته اول شهریور وعده تحویل نهایی شبکه ارتقا یافته شاد را به مدیران و معلمان داده بودند.

خلاصه سریال π قسمتی (سوژه ها و مشکلات کاربران پر شمار شبکه شاد) همچنان برقرار و بردوام است!

- به عنوان یکی از منتقدین جدی شاد جلسات نقد استانی و ملی در این خصوص برگزار کردیم و گفتنی ها را بی واهمه گفتند و گفتیم، حال از زاویه ای دیگر به شاد بنگریم.

اینک که دولت توانسته است با ترفند آموزش رسمی مجازی افزون بر ده میلیون نفر را در پیام رسانی ایرانی مستقر نماید (که البته موفقیتی چشمگیر برای دولت است) بهتر است در به روز رسانی و روز آمدی چنین شبکه گسترده ای همت گماشته

و مدیران و معلمان را بیش از این در آماج بی امان انتقادات جامعه و حملات خانواده ها تنها نگذارد.

- به عنوان یک مسئول نازل روزانه مورد عتاب و خطاب صدها پیام و ده ها تماس انتقادی از شبکه شاد هستم و البته هر روز خدا متهم به بی توجهی، اهمال و ناکارآمدی در این خصوص می شوی، مسئله ای که در آن هیچ گونه دخل و تصرفی نداشته و تنها سعی می کنیم با سعه صدر و دعوت به آرامش مخاطبانمان را آرام نماییم.

مشکلات آموزش مجازی و شبکه شاد را می توان در چند مورد دسته بندی نمود:

۱- پایین بودن سرعت اینترنت و کندی شاد

۲- فقدان زیرساخت های متناسب با حجم کاربران مثبت ده میلیونی شاد
۳- عدم احراز هویت بخش قابل توجهی از همکاران و دانش آموزان در شاد
۴- فقدان امکانات لازم برای الحاق حدود چهار میلیون نفر از دانش آموزان و معلمان در شاد

۵- عدم وجود امکانات و قابلیت پیام رسانی هایی چون تلگرام و واتس اپ در شاد
۶- عدم نصب شاد در برخی از گوشی های مانند آیفون و ...
۷- پاسخگو نبودن پشتیبانی شاد به سوالات و انتقادات
۸- عدم دسترسی مسئولین مدارس و ادارات به مدیریت شاد
انصاف حکم می کند چون عیبش بگفتیم مزایایش را نیز قید کنیم.

■ مزایای شبکه دانش آموزی شاد:

۱- رایگان بودن اینترنت در شبکه شاد (البته بنا بر ادعای مسئولین محترم)
۲- پاک، قابل کنترل و نظارت بودن شبکه شاد
۳- به روز رسانی ممتد و افزایش تدریجی امکانات شاد
۴- اعتماد تدریجی کاربران به پیام رسانی ایرانی

■ پیشنهادها

از وزیر محترم آموزش و پرورش خواهشمندیم:
- در به روز رسانی و تقویت و تکمیل زیرساخت های شاد تعجیل نموده و مدیران و معلمان را در مشکلات بی پایان شاد یاری دهند.
- در صورت امکان سرورها و دیتابیس های شاد را استانی و منطقه ای تعریف کرده و از انباشت کار و ایجاد ترافیک در پایتخت بپرهیزند.
- اقدام به آموزش کاربران (مدیران، معلمان و دانش آموزان) از طرق مختلف در استفاده از آموزش مجازی نمایند.
- فکری عاجل و تدبیری بهنگام برای چهار میلیون نفری که از آموزش مجازی محروم هستند اندیشیده شود.

- برای لو ت نشدن آموزش مجازی با الحاق ظرفیت های لازم به شاد امکان تقلب در آزمون ها را پایین بیاورند.
- برای تحقق عدالت آموزشی و پرهیز از دوگانگی در عمل، تنها مدارس دولتی عادی را مجبور به استفاده از شبکه شاد نکنیم. اگر شاد خوب است همگان از آبخشور آن بهره مند شوند و ما بیش از این مورد تمسخر مدارس خاص و غیردولتی در پایبندی به شاد نباشیم.
- شاد یک پیام رسان است و البته با امکانات فعلی قابلیت مطلوبی برای تدریس دروس پایه ریاضی و فنی را ندارد، بهتر است برای این موضوع نیز تدبیری اندیشیده شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۳۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹

کرونا و فضای مجازی



مصطفی بابایی
پژوهشگر و فعال امور شهری

babaei1980@yahoo.com

با توجه به همه گیر شدن ویروس کرونا در شرایط کنونی فرزندانمان مجبور به در خانه ماندن هستند و این مسأله منجر به این شده تا زمان بیشتری را در فضای مجازی بگذرانند. مدارس، تماس با دوستان و پدر بزرگ و مادر بزرگها، حتی کلاس های موسیقی و خیلی چیزهای دیگر آنلاین شده اند. نقش فضای مجازی چنان اساسی است که بدون آن امکان برنامه ریزی، توسعه و بهره گیری در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و علمی در جهان آینده امکان پذیر نخواهد بود. با وجود این نباید از پیامدهای ناگوار مخرب آن به ویژه در زمینه های اجتماعی و فرهنگی غافل ماند. فضای مجازی با همه خوبی ها و فوایدش، از کاستی ها و آسیب هایی نیز برخوردار است که همگان به ویژه دولتمردان، سیاست گذاران و اولیاء و مربیان و والدین باید بدان واقف باشند. فضای مجازی فن آوری ای نیست که بی چون و چرا تحمیل شده باشد بلکه رسانه ای است که به انتخاب خود، همان طور که هست می توان استفاده کرد و یا به طور کلی از آن چشم پوشید. فضای مجازی به مثابه یک تیغ دو لبه است که با آموزش صحیح و فرهنگ سازی کاربران آن و استفاده کنندگان می توان به وسیله آن عقلانیت ارتباطی را گسترش داد، بطور می توانیم از فضای مجازی بیشترین استفاده را کرد در حالی که کمترین آسیب متوجه فرزندانمان گردد؟ حتی در شرایط عادی هم حفظ چنین تعادلی کار ساده ای نیست، حالا که بحث بحران سلامتی مثل بیماری کرونا هم مطرح است. البته سخن گفتن از آسیب های فضای مجازی به معنای نفی این فضا نیست، بلکه واقعیت این است که فضای مجازی دارای کارکردهای مثبت و منفی است. ارتباطات مجازی به کودکان و نوجوانان کمک می کند تا اثرات سوء این وضعیت کمتر شود و آن ها را تشویق می کند تا به زندگی روزانه خود ادامه دهند. ولی از طرف دیگر چالش های جدیدی برای والدین ایجاد می کند.

همه ما می دانیم اولین مکانی که انسان فرهنگ می آموزد خانواده است و تأثیری که خانواده بر فرد می گذارد غیر قابل انکار است. پس در شکل گیری شخصیت فرزندان، والدین می توانند نقش مهمی داشته باشند و اگر با آموزش صحیح و همچنین با شکل گیری عواطف و محبت به فرزندان و فراهم کردن سرگرمی های سالم برای آن ها و کنترل صحیح فرزندان خود می توانند از جذب آن ها به امور گمراه کننده و انحرافات جلوگیری کنند و نیازهای جوانان را به گونه ای برطرف نمایند و مانند یک دوست برای فرزندان خود باشند که آن ها فرصت فکر کردن به سرگرمی های کاذب را نداشته باشند.

والدین باید سطح معلومات و دانش خود از فضای مجازی و وسایل ارتباط جمعی را افزایش دهند تا بتوانند فرزندان خود را در برابر چالش های این فضا مصون سازی کنند. حضور در فضای مجازی و استفاده از ابزارها و امکانات متنوع آن برای خانواده و فرزندان امری اجتناب ناپذیر است، پس چه خوب است قبل از آن که فرزندان را تنها و بدون آمادگی در این فضا رها کنیم،

فرصت ها و تهدیدات فضای مجازی را بشناسیم و خانواده خود را برای بهترین بهره برداری آماده کنی به فرزندانمان بیاموزیم که هر وسیله ای چه کاربردهای مفیدی دارد و با آنان صادقانه راجع به کسانی که با آن ها در ارتباط هستند و چگونگی ارتباطشان صحبت کنیم، می بایست والدین در به روزرسانی دانش خود در رابطه با فضای مجازی فعال تر باشند و در خصوص استفاده از فضای مجازی با تأثیر گذاری که بر فرزندانمان دارد، دقت و توجه بیشتری برای نظارت داشته باشند، در واقع فضای مجازی برای کودکان به یک فضای حقیقی تبدیل شده و بخش زیادی از زندگی شان را درگیر کرده است و فرزندانمان به نحوی از ظرفیت های فضای مجازی استفاده می کنند و از آسیب های آن نیز بی نصیب نیستند به واسطه نداشتن شناخت کافی از آسیب ها و ناآگاهی نسبت به شرایطی که باید با آن مقابله کنند آسیب های بیشتری را ایجاد می کند. برای فرزند خود زمان بگذارید و برنامه ها، اپلیکیشن ها، بازی ها و سایر سرگرمی های مناسب سنش را پیدا کنید. بهتر است به فرزند خود بیاموزیم برای حضور در فضای مجازی باید زمان مشخص و هدف مشخصی داشته باشد. وقتی فرزندانمان زمان بیشتری را در فضای مجازی می گذرانند، ممکن است در معرض تبلیغاتی که غذاهای ناسالم، کلیشه های جنسیتی یا موضوعات نامتناسب با سن شان را ترویج می کنند قرار بگیرند. نسبت به حالت های فرزندان هنگام کار با فضای مجازی هشیار باشید مثلاً آیا غمگین یا پنهان کار به نظر می رسد و یا اذیت و آزار فضای مجازی ای را تجربه می کند. آن ها را تشویق کنید که اگر هر یک از رفتارهای نامتعارفی را که قبلاً به آن ها آموزش داده اید را تجربه کردند فوراً موضوع را با شما یا شخص بالغ و معتمدی در میان بگذارند. والدین باید به فرزندان خود در خصوص نحوه حضور و استفاده از فضای مجازی آموزش دهد پس بهتر است والدین در رفتار خود نسبت به استفاده از گوشی تلفن همراه و حضور در فضای مجازی به دقت عمل کنند و به فرزندانشان هم آموزش های لازم را بدهند تا از سنین پایین این رفتارهای درست به صورت عادت در آن ها نهادینه شود.

متأسفانه گاهی در فضای مجازی با محتوای فریبنده و گمراه کننده ای روبرو هستیم که سواد رسانه ای می تواند مخاطب را در این زمینه راهنمایی کند و نمی شود صرفاً به فیلتر اکتفا کرد. اگر هنر استفاده منطقی و علمی را از فضای مجازی داشته باشیم و آگاهانه و با مشورت پیش برویم و آموزش های لازم را ببینیم می توان به جرأت اعلام کرد که فضای مجازی البته که تهدید نیست بلکه مطمئناً این فضا می تواند یک فضای پول ساز و فرهنگ ساز هم باشد فضای مجازی، تهدید نیست بلکه یک فرصت است آموزش ندادن سواد رسانه ای درست به فرزندانمان، عواقب پرخطری را به دنبال خواهد داشت. باید از طریق رسانه های جمعی فواید فضای مجازی و کاربردهای آن آموزش داده شود می بایست سواد رسانه به عنوان یکی از دروس اصلی در مدارس مورد تدریس قرار گیرد تا جوانان و نوجوانان متناسب با رشد رسانه ای ارتباطی و مجازی آگاهی بیشتری از وضعیت کنونی خود داشته باشند. کرونا با تمام بدی هایش مجبورمان کرد که نگاه خود را نسبت به فضای مجازی و نوع استفاده از آن و کاربردهای آن تغییر دهیم و این مسأله می تواند ادامه داشته باشد در هر صورت خود ما هستیم که تصمیم می گیریم چگونه زندگی کنیم.





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۳۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹

نشانه ها را دریابید!

رحیم قمیشی



جوړ دیگری رقم می زنند، اما اینکه امروز به مرگ روزانه ۲۵۰ فوتی به خاطر کرونا و کمبود امکانات بیمارستانی عادت کرده ایم، اینکه می دانیم مراکز درمانی پایتخت دیگر جای بستری و حتی دستگاه اکسیژن ندارند، اینکه دستورالعمل صادر می شود هیچ بیمار غیر اورژانسی حق بستری شدن در هیچ بیمارستانی را ندارد، اینکه بیمارها در بهر دنبال داروهای گران قیمت قاچاق می گردند...

اصلاً نشانه های خوبی نیست!
اینکه قیمت همه چیز ناگهان چند برابر می شود و مردم تنها با تأسف از کنار آن می گذرند، اینکه دلار مرز سی هزار تومان را به راحتی رد می کند، سکه مرز ۱۶ میلیون تومان را، تخم مرغ و مرغ و ساده ترین مواد غذایی از سبد خانواده های ضعیف و متوسط هم خارج می شوند هیچ نشانه خوبی نیست.

اینکه مردم برایشان اهمیتی ندارد دولتمردان چه می گویند، انتخابات چه می خواهد بشود تا کجا اوضاع بد اقتصادی ادامه پیدا خواهد کرد، بی تفاوتی مسئولین نسبت به مشکلات مهم مردم تا کجا کش می آید، اینکه مردم یقین کرده اند وسط دعوای سیاسی فراموش شده اند و شک ندارند هیچ کشوری حتی عراق و چین هم فردا برای گرسنگی ما کاری نخواهند کرد... نشانه های بسیار بدی است.

اینکه اعلام می شود برای دریافت انسولین با کارت ملی به مراکز خاص مراجعه نمایید، اگر باشد! اینکه اعلام می شود واکسن آنفولانزا نیست مگر برای افراد خاص، اینکه گفته می شود آرد هست نگران نان نباشید، قیمت میوه ها همه سه برابر شده اند...

همه نشانه های بسیار بدی هستند.
برای مردم اصلاً مهم نیست با اقتدا به امام حسن (ع) می خواهید صلح کنید یا با اقتدا به امام حسین (ع) می خواهید بجنگید و شهید شوید!

مهم آن است که دیگر دولتمردان و حاکمیت برای مردم اهمیتی ندارند...

نه به صلح تان دلخوشند نه به جنگ تان

خدا نکند اتفاقی بیفتد!

آن وقت خیلی ها مجبورند چشم های بسته شان را باز کنند و متوجه شوند؛

مردم بشدت عصبانی هستند

آن ها هیچ نشانه خوبی برای آینده نمی بینند، حتی در صلح!

آن ها نمی خواهند تحقیر شوند.

نشانه های تحقیر یک ملت

و خشم فروخورده شان را

نشانه های واضح انتظارشان را برای تغییرات مهم

نشانه های خستگی مفرط شان از وضع موجود...

لطفاً نشانه ها را دریابید

تأیید بیشتر از این دیر نشده!

در اواخر دوره حکومت صدام تحریم ها در عراق بسیار تشدید شد. هنوز اسرا در عراق بودند که نگهبان ها حلب های روغن ایرانی را نشان ما می دادند که بر روی آن ها کلمات فارسی نوشته شده بود.

دیدن کلمه «روغن نباتی قو» در لوازم آشپزخانه اردوگاه به ما حس و حالی می داد انگار بعد از سال ها داریم غذای مادر را می خوریم.

برای ما افتخاری بود که بعد از سال ها جنگ در موقع گرسنگی مردم عراق به داشتن رسیده ایم. نگهبان ها هم برایشان جالب بود. ما اسرا هنوز آنجا بودیم و در بندشان و بسیاری اوقات کتک می خوردیم و ایران راه کمک به مردم آنجا و عملاً دولت شان را نبسته بود. بعدها که تبادل انجام شد با فاصله دو سه سال اوضاع تحریم عراق روز به روز بدتر شد. چیزی شد به اسم نفت در برابر غذا.

ملتی که صدام قرار بود آن ها را فخر عرب کند به چنان در ماندگی رسیدند که صف بستن مردم گرسنه برای گرفتن سهمیه یک بسته آرد یا برنج، دل مردم دنیا را به درد می آورد.

اگر دولتش خرسره سر بوده مردم چه گناهی کرده اند!

و البته آنچه صدام هم بدش نمی آمد دنیا ببیند همین بود که مردم به چه مشقتی افتاده اند! ادامه داستان البته معلوم بود. وقتی آمریکا و انگلیس و سایر کشورها حمله شان را شروع کردند توانی برای دفاع در عراق نمانده بود.

نه که همه گرسنه بودند و بی رمق! بلکه انگیزه های برای دفاع نداشتند.

دفاع آن ها و پیروزی شان مساوی بود با تلاطم همان بدبختی، از کوه ها بیایند و از ایران ذره ای روغن و آرد قاچاق ببرند، مرگ و میر بیماران و کودکان، حاکمیتی که برای ابرقدرت ها زبان درازی می کرد، گاه یک موشک به سمت اسرائیل شلیک می کرد، وعده سروری اعراب را می داد و بی توجه به وضع مردمش بود!

صدام اعدام شد، هنوز هم طرفدارانی دارد، اما او سال ها قبل از سقوط و دستگیری و اعدام مرده بود. او از درک تغییرات در جهان، او از درک اهمیت همراه داشتن مردم، او از درک عدالت، مدت ها بود دور افتاده بود و تنها دلخوشی اش به به و چه چه های اطرافیان معبودش بود.

این بود که با اعدام او حتی در بین طرفدارانش هم اتفاقی نیفتاد. یک مرده مرده بود... وضعیت ایران امروز ما شاید قابل مقایسه با آن زمان صدام و عراق نباشد، اما مسیر همان است!

منابع ما، کشاورزی ما، مرزهای ما، استقامت فوق العاده مردم ما، سرنوشت ما را حتماً



اخبار حزب



اقتدار زنان در جریان سازی احزاب...!

انتخاب خانم‌ها اطللس باف و شمسینی غیاثوند در استان قزوین جریان حزب را شتاب خواهد بخشید!

جعفر بخشی بی نیاز
نویسنده روزنامه نگار



و غیرمادی هستند و در هر دو زمینه مجلس فعالیت‌هایی را آغاز کرده است که بخشی از آن به تأمین درآمد پایدار و بخش دیگر به تصویب قوانین حمایتی از آن‌ها مربوط می‌شود. خوشبختانه با نگاه دقیق سیاسی و ارج نهادن بر سخت‌کوشی و تلاش مضاعف اعضای حزب اراده ملت ایران در استان قزوین سید جمال خضری همواره بر آن است تا این حزب با قدرت بیشتر و انگیزه‌ای شایسته‌تر به حیات سیاسی خود ادامه دهد و تبیین سیاست‌های این حزب تا امروز نشان داده که خضری در این آزمون سخت موفق بوده است. اینک با انتخاب خانم‌ها اطللس باف در کسوت رئیس کمیته زنان حزب و خاتم مهندس شمسینی غیاثوند به عنوان رئیس کمیته اجتماعی و فرهنگی مهندس خضری و اعضای حزب نشان داده‌اند که به حضور حداکثری زنان در فعالیت‌های سیاسی اعتقاد ذاتی داشته و بر آن‌اند تا استان قزوین در شکوفایی مسیری که منجر به اعتلای ایران اسلامی خواهد شد از هیچ تلاشی فروگذار نباشند.

رئیس شورای اطلاع‌رسانی حزب اراده ملت ایران استان قزوین اعلام کرده بود: در جلسه هیئت اجرایی حزب اراده ملت ایران در استان قزوین که با حضور بازرس حزب اراده ملت ایران و دبیر استان قزوین برگزار شد سرکار خانم شمسینی غیاثوند با کسب اکثریت آراء رئیس کمیته اجتماعی و فرهنگی این حزب در استان قزوین شد. خانم غیاثوند هم در همین جلسه گفته بود: امروزه نقش مؤثر زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست زیرا زنان در فرهنگ‌سازی بیشترین نقش را دارند و همین نقش مؤثر و کلیدی، موجب شده که نوک تیز حمله دشمن در جهانی‌شدن و استحاله فرهنگی متوجه زنان جامعه شود. این را هم بگوییم و تمام...

سید جمال خضری بازرس حزب اراده ملت ایران و دبیر استان قزوین در مراسم انتصاب خانم غیاثوند خطاب به ایشان گفتند: بیکاری و تنگناهای معیشتی از جمله عوامل گرایش افراد به آسیب‌های اجتماعی ست و امروزه برخی در فضاهای مختلف به دنبال کمرنگ کردن ارزش‌های دینی هستند و لذا باید اقدامات فرهنگی و پیشگیری ماقوی‌تر و فراگیرتر باشد. لذا شما که تجربه فعالیت در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی را دارید انتظار می‌رود مجموعه سیاست‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات حوزه تصدی خود را بر اساس برنامه‌های اعلام‌شده در حوزه اجتماعی و فرهنگی برای پویا شدن و اشاعه فرهنگ اسلامی و در چارچوب قوانین و مقررات و اسناد فرادستی با رعایت حقوق مردم تنظیم و عمل نمایید! باید منتظر ماند و قد کشیدن این نهال را به دستان توانمند خانم‌ها اطللس باف و غیاثوند و البته تمامی اعضای فرهیخته حزب اراده ملت استان قزوین در سایه مدیریت توانمند مهندس جمال خضری دید.

فقط ۷ درصد و البته حفظ و افزایش همین تک رقم در پویایی پوسته‌های احزاب سیاسی در ایران گامی روبه‌جلو برای حضور جدی‌تر زنان در فرایند تصمیم‌گیری‌های تشکیلاتی است که البته حضور فعال زنان در عرصه‌های جدی‌تر احزاب و تشکیلات در سال‌های اخیر و نقش‌آفرینی آن‌ها در فرایند انتخابات اخیر حکایت از تأیید این نگرش مثبت دارد.

البته در این بین فرهنگ و ساختار مردسالار کشورمان، باعث شده که زنان در تمام ابعاد و برهه‌های تاریخی در مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی که یکی از نشانه‌های آن حضور فعال در احزاب و تصدی مناصب بالای سیاسی است، از جایگاه در خور و شایسته‌ای برخوردار نباشند.

مؤسس نخستین حزب زنانه جامعه زنان انقلاب اسلامی ایران با دبیر کلی اعلائی طالقانی (فرزند زنده‌یاد مرحوم آیت‌الله طالقانی) جزو نخستین احزاب با دبیر کلی یک زن و محوریت فعالیت زنان در ایران بود که در همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد و همانند بسیاری دیگر تدوین و تصویب مرامنامه، اساسنامه و مجوز آن شامل مرور زمان شد و در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ پروانه تأسیس گردید که از لحاظ کار تشکیلاتی، این حزب از محدود احزابی بود که از ابتدای تشکیل در سال ۱۳۵۷ تاکنون توانست ساختار تشکیلاتی خود را با چنگ و دندان حفظ کند و به فعالیت‌های خود به‌صورت بسیار محدود ادامه دهد.

تشکل زنان روزنامه‌نگار در راستای توسعه مشارکت‌های اجتماعی زنان و ارتقای سطح روزنامه‌نگاری زنان در دهه ۷۰ تشکیل شد که با بیان هدفی با تأکید بر درک شرایط جدید و پیام انقلاب اسلامی برای رشد و تحول مقام زن در جامعه و به‌ویژه توجه به مطالبات صنفی روزنامه‌نگاران زن فعالیت خود را آغاز کرد و اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. اما آن‌هم شکل و محتوایی بسته دارد و از همین حزب زنانی بسیار از ادامه فعالیت‌های سیاسی منصرف شده‌اند چرا که هم‌زمان حزبشان خواسته و ناخواسته تا مرز بازداشت و زندان رفته‌اند. زنان اصولگرا و در ادامه مجمع زنان اصلاح‌طلب که با ریاست زهرا شجاعی به‌صورت غیررسمی از حدود ده سال قبل با حضور جمعی از زنان مدیر و نمایندگان سابق مجلس فعالیت خود را آغاز کرده به‌عنوان هجدهمین حزب زنانه در ایران به‌صورت رسمی ثبت شده است.

جمعیت زنان انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی زنان، جمعیت زنان پیرو راه حضرت زهرا (س)، کانون تبادل اطلاعات زنان، جامعه اسلامی زنان اصفهان، جمعیت زنان پیام‌آور، جمعیت زنان مسلمان، جمعیت زنان پیرو راه حضرت زهرا (س) و جمعیت پیروان حضرت زینب (س) نیز از دیگر احزابی هستند که دبیران کل آن‌ها زن و البته محور فعالیتشان در حوزه زنان و خانواده با رویکرد تأثیر بخشی بر فرایند اتفاقات جامعه است!

اما چرا زنان در احزاب سیاسی ایران موفق نبوده‌اند! احتمالاً چون کار حزبی و مشارکت سیاسی زمان بسیار بالا و جسارت زیادی می‌طلبد، کمتر زنی تمایل به آن دارد. اما زنانی که در این عرصه وارد می‌شوند نه تنها ظرفیت و جسارت لازم را در خود می‌سازند بلکه قدرتمندتر از مردان در این عرصه گام برمی‌دارند. قطعاً قانون برای مردان و زنان یکسان است ولی احزاب زنان نیازمند دو نوع حمایت مادی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم
شماره ۲۴
هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹

نهمین شماره فصلنامه خاطرات سیاسی (تابستان ۹۹) منتشر شد

- این شماره و شماره‌های پیشین خاطرات سیاسی را از روزنامه‌فروشی‌های معتبر، یا بخش آبونمان مجله می‌توانید تهیه کنید و نسخه الکترونیکی آن نیز از «طاقچه» به آدرس:

<https://b2n.ir/708954>

و یا در وبگاه خاطرات سیاسی به همراه شماره‌های قبلی:

<https://khsmag.ir>

در دسترس علاقه‌مندان به ناگفته‌های تاریخ معاصر قرار دارد.

پرونده اصلی این شماره به احوال و آثار و افکار و سرنوشت امام موسی صدر اختصاص یافته است. این پرونده متشکل است از مصاحبه‌هایی با حسین کاشفی و محمدحسین متقی و مقالاتی تحقیقی درباره کارنامه موسی صدر در لبنان و بازتاب آن در ایران و خاورمیانه اسلامی. از دیگر مطالب این شماره به بزرگداشت ۱۱۴ سالگی جنبش مشروطیت و یادى از مرحومان سیدهای خسروشاهی و فربرز رئیس دانا می‌توان اشاره کرد. صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول فصلنامه خاطرات سیاسی احمد حکیمی پور و سردبیر آن حسن اکبری بیرق است.

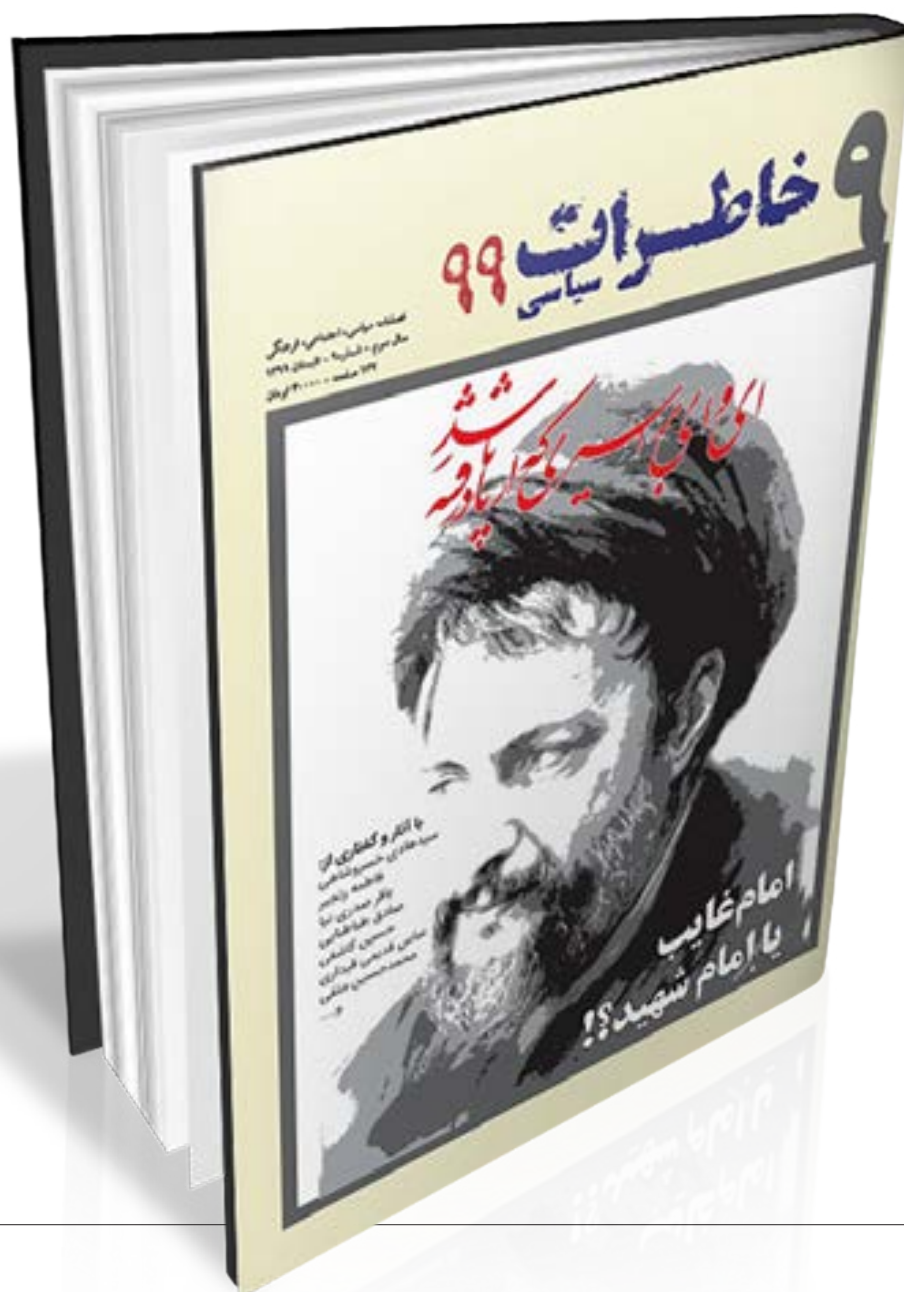


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

سال سوم

شماره ۲۴

هفته سوم آبان ماه ۱۳۹۹



کاندیدای عضویت در هیأت نظارت بر مطبوعات
صدای مطبوعات مستقل خواهم بود



دکتر احمد حکیمی پور

مدیران مسئول محترم ...

سخنی با همکاران محترم رسانه‌ای در این روزهای پرچالش فرهنگی.

دکتر احمد حکیمی‌پور با ۵۷ سال سن، صاحب امتیاز و مدیر مسئول فصلنامه خاطرات سیاسی، زاده زنجان و ساکن تهران. در دوره ی پیش رو نامزد انتخابات هیات نظارت بر مطبوعات که روز سه‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه برگزار می‌شود شده است.

با توجه به باورمندی ایشان به شفافیت، آزادی و ضرورت تکثر و تنوع رسانه ها، در روزگاری که شکاف‌های اجتماعی مختلف از جمله گسست نسلی و اقتصادی و ... جامعه‌ی ما را رنجور و بیمار کرده است باید از تنها نماینده‌ی منتخب مطبوعات کشور در هیات نظارت بر مطبوعات، حداکثر بهره‌وری برای اعتلای جایگاه رسانه‌ها جهت آگاهی بخشی و مطالبه‌گری را انتظار داشت، بنابراین پشتیبانی از درد آشنایان اصحاب رسانه، برای رساندن پیام‌های اقشار مختلف اجتماعی و در عین حال مراقبت و محافظت از حقوق آنها رسالتی خطیر است.

اگر دغدغه‌ی ایشان، دغدغه‌ی شما نیز هست، تضمینی است بر این که متعهدانه صدای رسای رسانه‌ها و سخنگوی صدیق مدیران مسئول در هیات نظارت خواهد بود.

چنانچه مایل هستید اطلاعات بیشتری از ایشان در اختیار داشته باشید به تارنمای فصلنامه خاطرات سیاسی مراجعه فرمایید.





روابط عمومی حزب اراده ملت

شماره تماس ۹۳۰ ۵۴۲ ۹۵۱۵